

تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر گرایش به نوسازی بافت فرسوده مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران^۱

سید یعقوب موسوی

دانشیار دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

محمد قاسمی سیانی^۲

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

انور مصطفوی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۲

چکیده

در انجام طرح‌های شهری توجه به ابعاد اجتماعی- فرهنگی همزمان با نگاه فیزیکی و کالبدی ضروری است نوسازی بافت فرسوده، مداخله کالبدی در بافت را مورد توجه قرار می‌دهد، اما کمتر به مداخله اجتماعی- فرهنگی می‌پردازد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قبل از هر گونه مداخله کالبدی، لازم است ابعاد اجتماعی و فرهنگی اصلاح و بررسی شود. این پژوهش به منظور بررسی کندی روند نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهر تهران با توجه به تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی ساکنین بافت‌های فرسوده بر روند نوسازی است. مسئله اصلی پژوهش پاسخگویی به این سوال بود که از منظر اجتماعی- فرهنگی کدام دسته از عوامل بر نوسازی و بهسازی بافت فرسوده تأثیرگذار بوده است و بی توجهی به آنها روند نوسازی را با تاخیر مواجه کرده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی بوده و با بکارگیری روش کمی به دنبال بررسی علل اجتماعی- فرهنگی در نوسازی بافت فرسوده در منطقه ۱۲ شهر تهران است. بدین منظور بر اساس جامعه آماری منطقه ۱۲ تعداد ۵۰۰ پرسشنامه به تفکیک مناطق و محلات منطقه به صورت تصادفی تکمیل گردید نتایج نشان داد که در زمینه ایستارهای ساکنین از لحاظ تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، پذیرش خطر و آینده‌گرایی متفاوت است، ایستارهای اجتماع هدف در بدهای پذیرش خطر و سنت‌گرایی با گرایش به نوسازی ارتباط معناداری را نشان می‌دهد و ابعاد تقدیرگرایی و آینده‌گرایی ارتباطی را با گرایش به نوسازی نشان نمی‌دهد، در این زمینه متغیرهای حس‌تعلق به محله، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی هنجارهای اجتماعی بررسی گردید نتایج تحقیق تا حد زیادی دال بر ارتباط معنی‌دار این متغیرها با گرایش به نوسازی است. در واقع حس‌تعلق به مکان، ارتباطات محله‌ای که خود متأثر از نظام هنجاری و اعتماد است ترغیب‌کننده و تسهیل‌کننده امر نوسازی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اجتماعی- فرهنگی، نوسازی، بهسازی، شهر تهران، بافت فرسوده

^۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی انجام شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی با عنوان، تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی ساکنین بافت‌های فرسوده بر کندی روند نوسازی و بهسازی در شهر تهران، سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ است.

^۲ نویسنده مسئول: ghasemi_siani@yahoo.com

مقدمه:

کلان شهر تهران از جمله شهرهایی است که در جریان گسترش فضایی و کالبدی خود طی دهه‌های اخیر، همراه با افزایش و تعمیق فرسودگی بافت کالبدی در مقیاس وسیع با این پدیده روبرو است. توسعه این شهر طی دهه‌های اخیر به سمت شمال و غرب، به تدریج از مرکزیت کالبدی محله‌های قدیمی آن که عمدتاً در مرکز شهر و یا اطراف قطب اقتصادی یعنی بازار قرار دارد، کاسته است. به طوری که این محله‌ها و یا نواحی هم چنان در گذشته فیزیکی و اجتماعی خود باقی مانده اند. این امر به خصوص توأم با عدم اهتمام و سرمایه‌گذاری در بخش رسمی دستخوش افت محسوس در بعد کیفیت زمین و تسهیلات لازم آن می‌باشد (Madanipour, 2004: ۲۴). نوسازی بافت‌های فرسوده سیاستی است که سال‌های متمادی در کشور در طرح‌ها و برنامه‌ها نام برده می‌شود و اجرایی می‌گردد اما طرح‌ها و سیاست‌های اجرا شده مبتنی بر رویکرد طرح‌های ساماندهی بافت فرسوده شهری در عصر جهانی سازی بر بازساخت کالبدی و رشد اقتصادی در راستای انباشت سرمایه تأکید داشته و بی توجه به بعد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در این بافت‌ها بوده است. که این خود منجر به سرانجام نرسیدن طرح‌های بهسازی و نوسازی و همچنین روبه‌رو شدن با مشکلات زیاد و توقف‌های طولانی پروژه‌ها شده است (Abozari & Ziyari, 2019: 492).

بررسی‌های صورت گرفته در شهر تهران حاکی از نوسازی ۱۵ درصد از محدوده‌های فرسوده از ابتدای سال ۱۳۸۰ می‌باشد که به وضوح با عملی نشدن این برنامه‌ها شکست سیاست‌های بهسازی و نوسازی را نشان می‌دهد. منطقه ۱۲ شهر تهران با داشتن عناصر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متعدد، یکی از مهمترین و حساس ترین نقاط شهری محسوب می‌شود. این منطقه به دلیل قدمت زیاد از جمله بافت‌های فرسوده شهری به شمار می‌رود و به علت کمبود امکانات و خدمات و تجهیزات شهری در این منطقه، از یک طرف، و نفوذ کاربری‌های تجاری و فرامنطقه‌ای، از طرف دیگر، بخش زیادی از ساکنان قدیمی منطقه را ترک کرده و واحدهای مسکونی به انبار و کارگاه تبدیل و اسکان کارگران این واحدها شده است. بنابراین نوسازی این محلات از ضرورت‌های مدیریت شهری محسوب می‌شود. این مقاله به دنبال بررسی این موضوع است که چرا با وجود سیاست‌های نوسازی در این منطقه از تهران عملاً نوسازی قابل ملاحظه‌ای شکل نگرفته است بدین منظور مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است بنابراین ابتدا با استفاده از روش توصیفی به بیان اطلاعات اسنادی و ارائه تعاریف و چارچوب نظری پژوهش پرداخته شده و سپس با استفاده از روش تحلیلی به تشریح علل کندی نوسازی بافت فرسوده از منظر اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است. روش تحقیق بکارگرفته شده در مقاله از نوع کمی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. در کل می‌توان فرایند انجام مطالعه را به شیوه ذیل جمع بندی کرد:

- پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای: برای بررسی ادبیات موضوع، مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش
- پژوهش میدانی: جمع‌آوری داده‌های کمی

جامعه آماری پژوهش ساکنان واحدهای مسکونی منطقه ۱۲ شهرداری تهران است در این منطقه، که هسته اصلی و یکی از قدیمی ترین مناطق شهر تهران است، معضل بافت فرسوده بصورت جدی و تهدید آمیزی تداوم پایدار

شهری را در معرض خطر قرار داده است و طی سالیان گذشته افزایش حجم و وسعت بافت مورد هدف نوسازی موجبات نگرانی متولیان شهری را فراهم ساخته است. جدول زیر ویژگی‌های بافت فرسوده و ناپایدار منطقه ۱۲ را نشان می‌دهد:

جدول ۱، مشخصات بافت فرسوده و ناپایدار منطقه ۱۲

بافت ناپایدار		جمعیت بافت ناپایدار			جمعیت بافت فرسوده	بافت فرسوده
مساحت بافت ناپایدار (هکتار)	بلوک بافت ناپایدار	جمعیت (کل)	درصد جمعیت ساکن در بافت ناپایدار	جمعیت بافت ناپایدار	جمعیت بافت فرسوده	مساحت بافت فرسوده
1193.6	1071	۲۴۸۰۴۷	۷۹,۳۲	۱۹۶۷۳۹	۱۳۵۹۵۲	۵۹۲,۶۵

Source: Statistical Center of Tehran Renovation Organization (2018)

برای تعیین حجم نمونه، با توجه به سطح تحلیل که افراد ساکن در منطقه ۱۲ می‌باشد، کل جمعیت منطقه ۱۲ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. آمار جمعیت منطقه ۱۲ به تفکیک ناحیه ۲۴۰۹۰۹ نفر است. برای جلوگیری از ابهام عدد مذکور با استفاده از فرمول کوکران و با اعمال ضریب اطمینان ۵٪ معادل ۳۸۴ نفر نمونه آماری در این تحقیق تعیین می‌شود. در نتیجه برای تبیین وضعیت اجتماعی-فرهنگی ساکنین و علل مفروض برخاسته از آن در این منطقه تعداد ۳۸۴ نفر نمونه جمعیت ما را شامل می‌گردد. اما افزایش حجم نمونه تا ۵۰۰ خانوار می‌تواند داده‌های قابل اتکایی را در خصوص رسیدن به اهداف تحقیق فراهم آورد. نوع نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر، طبقه‌ای متناسب خوشه‌ای است؛ بدین معنا که از بین تعداد کل نمونه انتخاب شده برای ساکنین، ابتدا سهم هر ناحیه به تناسب تعداد جمعیت آن انتخاب شد جدول زیر جزئیات تعداد نمونه‌های انتخاب شده از هر محله و ناحیه را نشان می‌دهد.

جدول ۲، تعداد جمعیت و تعداد نمونه مورد بررسی به تفکیک ناحیه

نمونه گیری منطقه ۱۲						
ردیف	تعداد کل جمعیت	تعداد نمونه	نسبت	تعداد کل ساکنین	تعداد نمونه	نسبت
۱	۲۴۳۵۴	۲	٪۱۱	۵۵	۵۵	۱۰۰
۲	۴۴۹۷۵	۲	٪۱۸	۹۰	۹۰	۱۰۰
۳	۶۴۸۵	۲	٪۰۲	۱۰	۱۰	۱۰۰
۴	۴۲۶۳۱	۲	٪۱۹	۹۵	۹۵	۱۰۰
۵	۶۵۸۲۳	۳	٪۲۷	۱۳۵	۱۳۵	۱۰۰
۶	۵۶۶۴۱	۲	٪۲۳	۱۱۵	۱۱۵	۱۰۰
کل منطقه	۲۴۰۹۰۹	۱۳	۱۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۱۰۰

Source: Authors, 2018

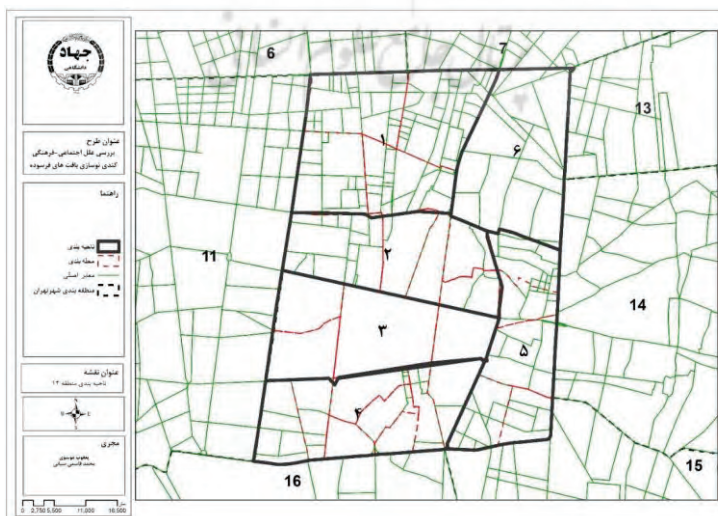
برای تعیین حجم نمونه، با توجه به سطح تحلیل که افراد ساکن در منطقه ۱۲ می‌باشد، کل جمعیت منطقه ۱۲ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. آمار جمعیت منطق ۱۲ به تفکیک ناحیه ۲۴۰۹۰۹ نفر است برای جلوگیری از ابهام عدد مذکور با استفاده از فرمول کوکران و با اعمال ضریب اطمینان ۵٪ معادل ۴۳۵ نفر نمونه آماری در این تحقیق تعیین می‌شود. در نتیجه برای تبیین وضعیت اجتماعی-فرهنگی ساکنین و علل مفروض برخاسته از آن در توجیه شرایط کندی روند نوسازی بافت فرسوده در این منطقه تعداد ۴۳۵ نفر نمونه جمعیت ما را شامل می‌گردد. اما افزایش حجم نمونه تا ۵۰۰ خانوار می‌تواند داده‌های قابل اتکایی را در خصوص رسیدن به اهداف تحقیق فراهم آورد بنابراین تعداد ۵۰۰ پرسشنامه به تفکیک نواحی منطقه ۱۲ توزیع گردید. نوع نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر، طبقه‌ای متناسب خوشه‌ای است؛ بدین معنا که از بین تعداد کل نمونه انتخاب شده برای ساکنین، ابتدا بایستی سهم هر ناحیه به تناسب تعداد جمعیت آن انتخاب گردد و بنابراین در هر ناحیه ای که بر اساس آمار سرشماری دارای بیشترین تعداد جمعیت از منطقه است، تعداد نمونه بیشتری انتخاب شده است. جزئیات تعداد نمونه‌های انتخاب شده از هر محله و ناحیه در زیر آورده شده است.

جدول ۳، تعداد محلات و خانوار ساکن و تعداد نمونه مورد بررسی به تفکیک محله

محله	خانوار	تعداد نمونه	محله	خانوار	تعداد نمونه
فردوسی	۳۱۲۵	۱۹	سنگلیج	۸۰۱۵	۵۴
بهارستان	۷۱۲۴	۴۴	بازار	۲۸۱۵	۱۹
دروازه شمیران	۹۸۵۴	۶۶	قیام	۴۷۶۵	۳۲
ایران	۶۵۴۲	۴۱	تختی	۶۲۱۹	۴۱
پامنار	۲۵۰۳	۱۳	هرندی	۹۱۲۷	۶۲
امامزاده یحیی	۶۷۲۸	۳۰	کوثر	۵۸۹۴	۳۹
آبشار	۶۳۹۴	۴۱	جمع	۷۹۱۰۵	۵۰۰

Source: Authors, 2018

نقشه شماره ۱، نقشه تفکیکی محلات منطقه ۱۲



Source: Documentary Reviews of summer, 2018

برای تعیین روایی، سوالات پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت که پیش‌آزمون با تعداد ۳۰ پرسشنامه اجرا شد و بر اساس نتایج پیش‌آزمون روایی پرسشنامه مشخص شد. که در جدول زیر مشاهده می‌کنیم:

جدول ۴، میزان‌های آلفای متغیرهای تحقیق

متغیر	آلفا
تقدیرگرایی	٪۶۱
پذیرش خطر	٪۶۹
آینده‌گرایی	٪۶۶
سنت‌گرایی	٪۶۲
انتظار فایده	٪۷۱
ارزیابی فایده	٪۶۱

Source: Research Findings, 2018

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از تکنیک‌های آمار توصیفی و استنباطی، آزمون‌های مختلف مورد نیاز و از نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. در ابتدا داده‌ها بطور تک‌متغیره توصیف گردید و سپس برای تبیین فرضیه‌های تحقیق متناسب با سطح تحلیل متغیرها از آزمون‌های آمار استنباطی متناسب استفاده شد.

بیان مسئله:

هسته قدیمی شهرهای کشور که حاوی تاریخ و هویت و اصالت شهری است در برگیرنده ی محلات قدیمی و کهن شهر است که امروزه تحت تاثیر تحولات اساسی قرار گرفته است و با ادامه ی روند موجود، روز به روز به سمت هویتی مخدوش و کمرنگ پیش می روند. این در حالی است که به سبب سابقه تاریخی مکان، همه عوامل مورد نیاز برای ایجاد زندگی از جمله پیوندهای اجتماعی، هویت کالبدی، خودکفایی اقتصادی و ... در چنین محلاتی وجود دارند که تنها با داشتن نگاهی جامع می توان از این پتانسیل‌ها در توسعه مجدد بهره برد (Salimi and et al, 2018: 150). در حال حاضر روند رو به گسترش فرسودگی کالبدی بافت فرسوده در کنار معضلات اجتماعی و اقتصادی موجود، ریزدانی قطعات و معابر باریکی که خدمات‌رسانی به این مناطق را در زمان بحران با مشکل مواجه خواهد ساخت، خطر وقوع زلزله در تهران و عدم پیش‌بینی زمان آن، مداخله آگاهانه و استفاده از ابزارهای برنامه‌ریزی را در ساماندهی این محلات، بیش از پیش به یک ضرورت تبدیل کرده است. بنابراین موضوع بافت‌های فرسوده در سطح کشور و سطح شهر تهران بسیار حائز اهمیت می‌باشد اما در یک نگاه آماری به وضعیت بافت‌های فرسوده و میزان نوسازی این بافت‌ها مشاهده می‌شود که این مساله در منطقه ۱۲ تهران وضعیت بسیار آسیب‌پذیر تر از سایر مناطق دارد. در منطقه ۱۲ بخصوص مناطق جنوبی فراوانی بافت‌های فرسوده مشاهده می‌شود. با توجه به واقع شدن بازار بزرگ تهران در این منطقه، هسته اصلی تردد روزانه و تجمع مردم و تجارت روزانه در این منطقه شکل گرفته است. در کنار وجود بافت‌های فرسوده زیاد نسبت به مناطق دیگر، مشکلات اجتماعی و فرهنگی زیادی همچون تفاوت‌های قومی و تعدد اقوام ساکن در این منطقه نیز نسبت به مناطق دیگر در منطقه ۱۲ وجود دارد. با توجه به پراکندگی و حجم بافت‌های فرسوده در منطقه ۱۲ و نیز روند کند نوسازی در این منطقه ضرورت پرداختن به موضوع نوسازی و علل کندی روند نوسازی در این بافت‌ها علیرغم اعطای مشوق‌ها و معافیت‌های لازم بسیار ضروری است، چراکه نوسازی علیرغم تامین مالی و ایجاد بسته‌های تشویقی، هنوز از سرعت لازم برخوردار نیست.

بنابراین روند کند نوسازی را بایستی در مسائل دیگر از جمله علل اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. از منظر اجتماعی، اولین مساله این است که چرا و به استناد کدام علل انسانی، فرهنگی و یا اجتماعی پدیده نوسازی در قالب یک مطالبه پایدار و خواست برانگیزاننده در میان جمعیت هدف در این نوع از مناطق به صورت یک مسئله حیاتی و اساسی مطرح نمی‌باشد و یا ترازوی از تمایل به مشارکت بیشتر در میان آنان مشاهده نمی‌شود؟ می‌توان این پرسش اساسی را نیز مطرح نمود که تداوم فرسودگی بافت و ناپایداری کالبدی آن تحت تاثیر کدام دسته از رویکردها و یا کنش‌های اجتماعی و فرهنگی معنی دار در شرایط کنونی است. علل عدم پیشرفت در تداوم نوسازی بافت‌های فرسوده گذشته از عوامل سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و نیز امکانات و خدمات تابع مهم از ساختار فرهنگی و اجتماعی است. شبکه روابط و مناسبات اجتماعی از یک سو و هنجارها و ارزش‌های نوگرایانه محیطی در بعد فضا و معماری از سوی دیگر سهم مهمی در سرعت بخشیدن به فرآیند فوق دارد. آنچه که در مرحله نخست به نظر می‌رسد، این است که، تمایل به مشارکت در نوسازی محله‌های فرسوده از ناحیه ساکنین، مانند هر عمل و رفتار دیگری تحت تاثیر گرایش و تمایل به آن شکل می‌گیرد. بنابراین مسئله اساسی قابل طرح این است که آیا عدم گرایش یا عدم تمایل پایین ساکنین بافت‌های فرسوده بنا به علل فرهنگی و اجتماعی به نوع یا انواعی از نوسازی و بهسازی شهری، ممکن است از جمله عوامل مهم و اصلی رکود و کندی برنامه‌های نوسازی بافت‌های مورد هدف باشد؟

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری است. در همین راستا، اهداف جزئی پژوهشی عبارتند از:

- توصیف عوامل اجتماعی بر گرایش به نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده
 - توصیف عوامل فرهنگی موثر بر گرایش به نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده
 - تبیین عوامل تاثیر گذار بر گرایش به نوسازی در بین جامعه هدف
- برای رسیدن به اهداف پژوهش و در جهت پاسخگویی به مساله اساسی و اهداف یاد شده در پژوهش سوالات زیر مطرح می‌شود:

- عوامل اجتماعی تاثیر گذار موثر بر گرایش به نوسازی و بهسازی بافت فرسوده کدام است؟
- عوامل فرهنگی تاثیر گذار بر گرایش به نوسازی و بهسازی بافت فرسوده کدام است؟
- چه ارتباطی بین گرایش به نوسازی و عوامل اجتماعی و فرهنگی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش:

در بینش شهرسازی و برنامه‌ریزی مدرن این تفکر وجود دارد که باید فرصت‌های گوناگونی در اختیار شهروندان قرار گیرد (Berman, ۱۹۸۰, Harviy, ۱۹۷۳, Martins, ۱۹۹۶, Castelz, ۱۹۸۳) تا بتوانند نقش واقعی خود را در توسعه شهری ایفا کنند. دانشمندان مهمترین چالش مدیریت شهری را در هزاره سوم، ضعف سیاستگذاری‌ها در

سطوح مدیریت شهری و نقش نهادهای محلی می‌دانند (Martin، ۱۹۹۹: ۲۷) و یا اندیشمندانی چون هانتینگتون و نلسون که از منظر سیاسی و توسعه اقتصادی- اجتماعی مسائل شهر را بررسی نموده‌اند و مهمترین مجرای سازمانی را در این توسعه مشارکت فعال در انواع نهادها و گروه‌های اجتماعی می‌دانند. بنابراین پرداختن به نوسازی بافت‌های فرسوده از قدمت طولانی برخوردار است. در همین راستا سمت و سوی تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری چه در قالب پایان نامه، طرح پژوهشی، مقالات و ... به بافت‌های فرسوده و مسائل و مشکلات آنها بوده است و هر یک از زاویه‌ای به موضوع بافت‌های فرسوده نگاه کرده‌اند بر همین اساس، پژوهش‌های زیادی از منظر کالبدی- فضایی به موضوع پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی مشاهده شده است که به علل کندی نوسازی این بافت‌ها، از منظر اجتماعی و فرهنگی توجه نماید و این نگاه را در روند کند نوسازی و علل عدم سرعت در نوسازی، بکاربرد. بیشتر پژوهش‌ها به نوعی رویکردهای مداخله در بافت فرسوده را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش از رویکردهای کالبدی (Faraji، 2013) و رویکردهای مرمتی و بازسازی (Kalantari، 2009، Habibi، 2008) را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی پژوهش‌ها با دیدگاه اقتصادی و تامین مالی (Asgari، 2012)، رویکرد مشارکتی (Ghasemi، 2013) و تاثیر آنها بر نوسازی اشاره داشته‌اند. آنچه مسلم است استراتژی‌ها و راهبردهایی است که در راستایی نوسازی و بهسازی بافت فرسوده بکار گرفته می‌شود چراکه فرسایش شهری پدیده‌ای چندبعدی است که بر اثر روابط و مناسبات متقابل آسیب‌های اجتماعی- اقتصادی و کالبدی - فضایی پدید می‌آید. یا طرح مباحث مشارکتی در مسائل شهری (Ghasemi، 2013؛ Alavitabar، 1999) موضوع نوسازی و بهسازی مشارکتی نیز در صدر پژوهش‌ها قرار می‌گیرد و پژوهش‌های مانند (Seraskanroud، 2008) از منظر مشارکت شهروندان موضوع نوسازی را بررسی می‌نمایند چراکه در بافت‌های فرسوده با توجه به وسعت دامنه و شدت مسائل گریبانگیر این بافت‌ها کارآمدترین رویکردی که بتوان برای مواجهه با کاستی‌ها و نارسائی‌ها اتخاذ نمود رویکرد مشارکتی باشد. (Mosavi، Heydari و Bagheri، 2012) در بررسی نقش سرمایه اجتماعی در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده به این نتیجه رسیدند که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری دارای رابطه‌ی معنادار با نوسازی و بهسازی بافت فرسوده محلات و علاقه به جامعه، روابط خانوادگی و دوستان به دلیل ارتباط ضعیف با نوسازی و بهسازی، معنادار نیست. از سوی دیگر بررسی میزان تمایل ساکنین بافت‌های فرسوده جهت نوسازی بافت فرسوده بعنوان یک مانع نوسازی طرح می‌شود (Pouladi، 2013)، در پژوهش خود با هدف سنجش میزان توان اقتصادی ساکنین در بافت فرسوده شهر شیراز در فرآیند نوسازی و به کارگیری ابزارهای مدیریت شهری برای ارتقاء میزان مشارکت در فرآیند نوسازی در ۸ محله این موضوع را مورد کنکاش قرار داده و تلاش نموده تا ضمن تبیین مدل اقتصادی بومی در نوسازی بافت فرسوده، در راستای فهم ساز و کارهای موثر بر مشارکت اقتصادی تمایل به نوسازی خانوارها را نیز بررسی نماید. (Mirzaghavam، 2010)، به دنبال پاسخ به این سوال بوده که چرا روند نوسازی در بافت‌های فرسوده در محله خزانه به کندی پیش می‌رود و بعبارتی تداوم ناپایداری کالبدی در این بافت‌ها تحت تاثیر چه عواملی است و آیا صرفاً عوامل اقتصادی و کالبدی اثر می‌گذارد و یا گرایش پایین ساکنان این بافت‌ها به نوسازی نیز نقش بازی

می‌کند. در این پژوهش رابطه معنی‌داری میان سطح درآمد و میزان گرایش به نوسازی به دست نیامد بلکه رابطه معنی‌داری میان شبکه ارتباطات محلی و گرایش به نوسازی به دست آمد که این نتیجه موید رویکرد محله‌گرایی در توسعه شهری است. همچنین برخی تحقیقات مسائل اجتماعی و فرهنگی را در نوسازی و بهسازی مورد بررسی قرار داده‌اند از جمله امیر احمدی و همکاران (۱۳۹۵) سرمایه فرهنگی و به ویژه سرمایه اجتماعی را دارای تاثیر مثبت بر مشارکت در نوسازی بیان داشته‌اند آنها بیان می‌کنند شاخص‌های تعهد اجتماعی، حس همیاری و انسجام اجتماعی دارای بیشترین تاثیر بر نوسازی هستند (Amirahmadi & et al: 2015: 68). مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷) مولفه‌های احساس تعلق، اعتماد و انسجام اجتماعی، اقدامات حمایتی و توسعه نهادی را موثر در مشارکت در نوسازی برشمرده‌اند که در این میان احساس تعلق به محله دارای بیشترین اثرگذاری است (Moridsadat and mohammadiyan, 2018: 140). ابوذری و زیاری (۱۳۹۸)، بیان می‌کنند که سیاست‌های اجرا شده در راستای نوسازی و بهسازی بافت فرسوده منطقه ۱۲ منجر به ناپایداری شده است و رابطه معنی‌داری بین مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی در اجرای سیاست‌ها وجود ندارد (Abazari and ziyari: 2019: 45). در بررسی ادبیات پژوهش و پیشینه تحقیقات مشخص گردید که تنوع تجارب جهانی در زمینه بافت فرسوده بسیار شایان توجه است. از سوی دیگر یکی از نکات برجسته‌ی امروزی در پژوهش‌های سطح جهان به ویژه در کشورهای توسعه یافته، اهمیت یافتن ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی و اجتماعی در فضاهای ساخته شده شهری، بعنوان یکی از دلایل اصلی توجه به بافت‌های فرسوده شهرها است. کشورهای مختلف با فرهنگ‌ها، و اعتقادات متفاوت، تجارب بسیار ارزنده‌ای را در طول تاریخ بر جای گذاشته‌اند که نشان دهنده هویت هر یک از شهرهای تاریخی در جهان می‌باشند این موضوع یکی از نکات توجه به نوسازی در ادبیات پژوهش بوده است. موضوع دیگر روند نوسازی و شیوه‌های نوسازی است که در ادبیات پژوهشی به طور مفصل به آن پرداخته شده است. اما بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها این موضوع را صرفاً از نظر اقتصادی و منابع مالی بررسی نموده‌اند. امروزه رویکردهایی که در نوسازی بافت‌های فرسوده بکار گرفته می‌شود، موضوع بافت‌های فرسوده را از یک موضوع اقتصادی و مهندسی فراتر بیان می‌کنند و توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی موضوع را دوچندان بیان می‌کنند. اما در کشور ما آثار و پیامدهای نوسازی و آنچه نمود واقعی یافته است نشان می‌دهد که برخلاف سیاست‌های کلان، برنامه‌های راهبردی و میان مدت، وضع قوانین و مقررات و وجود دستگاه‌های متعدد برنامه‌ریزی و اجرایی در حوزه نوسازی بافت فرسوده، روند کندی در نوسازی بافت فرسوده وجود دارد. لذا مشاهده می‌شود که با گذشت ۱۷ سال از تاسیس شرکت عمران و بهسازی شهری در وزارت مسکن، گذشت ۲۰ سال از تاسیس سازمان نوسازی شهر تهران و گذشت ۱۰ سال از تصویب دستورالعمل شناسایی و مداخله در بافت‌های فرسوده توسط شورای عالی معماری و شهرسازی، هنوز شهرهای بزرگ از جمله شهر تهران با مشکل گستردگی بافت‌های فرسوده روبرو است. و با تمام فعالیت‌های سازمان‌های ذکر شده آمارها نشان می‌دهد که عملکرد نوسازی در بافت‌های فرسوده شهر تهران حتی ۲۰ درصد از کل بافت فرسوده تهران نیز نمی‌باشد و کمتر از ۲۰ درصد نوسازی شده و آنچه نیز نوسازی شده است

دارای معضلات عدیده‌ای است. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که: علت کندی فرآیند نوسازی چیست؟ بخش‌های مختلف مسؤول این حوزه چه کسانی هستند؟ و وظایف آنها چیست؟ آیا آنها به وظایف خود عمل کرده‌اند؟ مهمترین موانع و مشکلات کندی روند نوسازی در کجا قرار دارد؟ چه راهکارهایی را می‌توان جهت بهبود فرآیند نوسازی بافت فرسوده اتخاذ نمود؟

پاسخ به تمام سوالات فوق نیازمند پژوهشی فراتر از پژوهش‌های یاد شده می‌باشد لذا این پژوهش بر آن است تا فارغ از مسائل اقتصادی، مالی و کالبدی که در بافت‌های فرسوده بیان شده و هزینه می‌شود اما نوسازی به ثمر نمی‌رسد به دلایل اجتماعی و فرهنگی کندی نوسازی بپردازد. بنابراین پژوهش حاضر موضوعات اجتماعی و فرهنگی شهروندان را ملاک پژوهش در روند گرایش به نوسازی بافت فرسوده قرار می‌دهد.

مرور ادبیات نظری

برای آنکه بررسی عمیقی صورت پذیرد که چرا ساکنین گرایش به نوسازی بافت فرسود ندارند و ترجیح می‌دهند به همین سبک زندگی ادامه دهند لازم است علت را در نگرش‌های ساکنین بافت‌های فرسوده جستجو کنیم، به همین دلیل نیاز است با نظریه‌های اجتماعی که بر ایستارها و اعتقادات افراد ساکن در بافت تاکید می‌کنند بعنوان راهنمای بررسی قرار بگیرند. در این خصوص طیفی از نظریه‌ها در این زمینه وجود دارد که هر کدام از زاویه خاصی به مسئله پرداخته‌اند. نظریه پردازان این حوزه واحد تحلیل و مطالعه خود را در سطوح فردی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر واحد تحلیل آنها نظام‌های شخصیتی افراد می‌باشد. نظریه پردازان مذکور نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و معتقدند که با تحقق نوسازی و نوشدن انسان سایر جنبه‌های نوسازی نیز ظهور پیدا می‌کند. پس لازم است که کنش‌ها و رفتارهای فردی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اورت هیگن یکی از این محققان است. وی معتقد است که دگرگونی در الگوهای جامعه پذیری دوران کودکی به دگرگونی در انواع شخصیت و سپس رفتار اجتماعی افراد منجر می‌شود که در نتیجه بر دگرگونی اجتماعی تاثیر می‌گذارد. هیگن بیشتر به خصایصی توجه کرده است که در مرحله گذار از جامعه سنتی به مدرن، در جوامع پدیدار می‌شود. او مهم‌ترین این خصایص را نوآوری و خلاقیت می‌داند. به زعم وی، نوآوری «وارد شدن به درک ذهنی و معرفتی جدید است که خود را در دنیای خارج از ذهن فرد متجلی می‌سازد» (Higen, 1967: 30). نوآوری، دارای دو بعد است: یکی ورود به درک ذهنی جدید و دوم انعکاس آن درک در عمل و شکل صوری رفتار. هیچ تغییر اجتماعی بدون دگرگونی در شخصیت‌های افراد جامعه به دست نمی‌آید. به باور هیگن شخصیت نوعی در جوامع سنتی شخصیت اقتدار طلب^۱ و در جوامع مدرن شخصیت خلاق^۲ یا نوآور می‌باشد. فرد خلاق از هر گونه پذیرش رابطه منطقی علت و معلولی تصور عمیق دارد. او فکر می‌کند جهان دارای نظم است؛ هر پدیده زندگی یا هر تجربه بزرگ انسانی، بخشی از از یک نظام هستند که عملکرد آن قابل فهم و تفسیر است (Aanbari, 2010: 65). فردی که تصور می‌کند دنیا به ابتکار خلاق او پاسخ می‌دهد دیگر احساس نمی‌کند که از سوی وضعیت‌های معماگونه و مشکل‌زا مورد تهدید است. او در

¹. authoritarian personality

². creative personality

رهایی و دفع اضطراب خویش نیازی به قضاوت‌های دیگران نمی‌بیند، زیرا در مواجهه با این وضعیت‌ها کمتر دچار اضطراب می‌شود، لذا از مشکلات نمی‌ترسد و در امور و تصمیمات مرتبط با زندگی خود همیشه مشارکت و دخالت دارد. علاوه بر ویژگی‌های مذکور، هوش و انرژی نیز در افراد خلاق، تجلی بیشتری دارد. فردی که دنیا را نظامی منظم و هماهنگ می‌یابد از هوش و انرژی خود بیشتر و موثرتر استفاده می‌کند تا با غلبه بر مشکلات به مقصدش برسد. به قول هیگن «خلاقیت مستلزم دسترسی کامل به فرایندهای ناآگاهانه شخصی، اعتماد کامل به قضاوت‌های شخصی و مانند اینها نیست، بلکه تنها مستلزم در اختیار داشتن این ویژگی‌ها به میزانی بیشتر از افراد معمولی است» (Higen, 1961: 95). هیگن در بررسی ویژگی‌های شخصیت اقتدار طلب می‌گوید: «اولاً، او تصور می‌کند که جهان خودسرانه، بدون نظم و برنامه، متغیر و تحلیل‌ناپذیر است و شامل مجموعه‌ای از پدیده‌هاست که بین آنها ارتباط علت و معلولی برقرار نیست. ثانیاً، تغییر دنیا تصادفی نیست، این تصورات، علاوه بر اینکه فرد را با تجربه‌ای دردناک مواجه می‌سازد و ذهن آگاهانه‌اش را تحریف می‌کند، در ذهن ناخودآگاه او باقی می‌ماند و رفتار آینده‌اش را، یعنی زمان بلوغ، جهت می‌دهد» (Higen, 1961: 97). این تصورات موجب تحلیل‌توانایی او در استفاده از قابلیت‌ها و ابتکارهایش می‌شود و او از نوع قضاوت‌های خویش، نامطمئن می‌گردد. او در فعالیت‌های جمعی، با آگاهی و هوشیاری کامل مشارکت ندارد، بلکه بر حسب حضور افراد مقتدر، در فعالیت‌ها وارد می‌شود. چنین فردی تصور می‌کند که پدیده‌ها و نیروهای عالم کاملاً از کنترل و اراده او خارج هستند. از این رو، علاقه‌اش به درگیری با مسائل و جزئیات دنیا ضعیف می‌شود و در نهایت در می‌یابد که ایمن‌ترین و مطمئن‌ترین راه، اتکا بر قوانین سستی سابق است. هیگن با بررسی نقش شناخت‌ها، ارزش‌ها و نیازهای انسانی، استدلال می‌کند که یک شخصیت خلاق و نوآور پدیده‌های جهان را در نظامی شکل یافته و منسجم می‌بیند، بنابراین، درصدد بر می‌آید ارزشمندی و اهمیت خود را برای محیط و دنیایش به اثبات رساند. چنین شخصیتی از میزان بالای انگیزه همکاری و کمک برخوردار است، به استقلال، پیشرفت و نظم تمایل زیادی دارد و سرانجام، به توانایی خود برای درک و کنترل برخی پدیده‌های خارجی باور دارد. دارا بودن چنین انگیزه‌های او را مصمم می‌کند، که در صورت مشاهده هر گونه بی‌نظمی و آشفتگی، درصدد تغییر شرایط به وضعیتی منظم برآید. شخص خلاق، به دلیل درک و همدلی با دیگران، از انگیزه کمک، همیاری و مشارکت قوی‌تر برخوردار است. در مقابل به قول هیگن «فرد اقتدارطلب جهان را نظامی می‌بیند که عملکردش نامنسجم و نامنظم است و انسان قادر به تحلیل آن نیست. قدرت را غالباً نتیجه اقتضائات محیطی می‌بیند تا نتیجه فعالیت افراد. تحت این تصورات، انگیزه و نیاز تسلیم در او افزایش و نیاز کمک و همیاری در او کاهش می‌یابد و استقلال طلبی، پیشرفت خواهی و سپس نظم‌گرایی در او تضعیف می‌شود.

هیگن، از مجموعه بحث‌های خود، نتیجه‌گیری می‌کند که لازمه توسعه اجتماعی اقتصادی این است که افراد ویژگی‌های یک شخصیت خلاق را داشته باشند. همدلی، انگیزه بالای پیشرفت، انگیزه نیاز به استقلال و نظم، انگیزه کمک و همکاری با هموعان و انگیزه مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری‌ها و امور مرتبط با زندگی خود از صفات فرد خلاق است.

هم زمان و همگام با هیگن، دیوید مک کله لند نظریه «انگیزه نیاز به پیشرفت»^۱ را مطرح کرد. او معتقد است برای تحقق نوسازی به یک سلسله تغییرات مثبت در ساخت شخصیتی کنشگران اجتماعی نیاز است. به اعتقاد او تنها عامل اساسی نوسازی انگیزه به پیشرفت نیست، بلکه این عامل یکی از عوامل کلیدی آن است. او در وصف این انگیزه می نویسد «انگیزه پیشرفت این نیست که فرد چگونه علاقمند است در پاسخ به سئوالات دیگران اظهار به پیشرفت و ارتقای خود کند، بلکه نشان دهنده این است که شخص چگونه به طور آنی درباره چیزها فکر می کند» (Maceland, ۱۹۶۰: ۱۰). وی از این انگیزه به عنوان ویروس ذهنی نام می برد و آن را روش خاصی از فکر کردن به امور و چیزها می داند که نسبتاً کمیاب است، ولی هنگامی که در شخصی این ویروس حادث شود، وی را وادار می سازد به شیوه ویژه‌ای پشتکار داشته باشد. در ذهن فرد این ویروس نمودار اندیشه‌های است که سروکار آنها با خوب انجام دادن کاری و یا انجام دادن کاری به نحوی بهتر از پیش است: یعنی کارتر، سریعتر و با زحمت کمتر و نتیجه بهتر می باشد (Vinz, ۱۳۵۴: ۲۴). مک کله لند سعی دارد بین خلاقیت، مخاطره جویی، اوقات فراغت، مناسبات و تعهد شغلی، اهداف فردی و میزان انگیزه پیشرفت ارتباط برقرار کند. وی معتقد است که «انگیزه پیشرفت یک خصیصه نسبتاً ثابت است که در تجربیات دوران کودکی ریشه دارد» (Maceland, ۱۹۷۱: ۲). به نظر وی درونی ساختن انگیزه نیاز به موفقیت از طریق فرایند جامعه پذیری از همان اوایل زندگی افراد باید صورت گیرد و سپس از طریق آموزشهای لازم و مطبوعات و سایر نوشته‌ها این میل را باید تقویت کرد (Azkiya, ۱۳۹۰: ۱۱۳). به نظر وی میل و نیاز به پیشرفت را نباید تنها عامل لازم برای نوسازی تلقی نمود، بلکه باید آن را به عنوان عامل کلیدی در نظر گرفت. همچنین باید توجه داشت که انگیزه به نوسازی از لحاظ روانشناسی دارای دو جنبه است که یکی از آنها فضیلتی است شخصی، یعنی میل به پیشرفت؛ و دیگری فضیلتی اجتماعی است، یعنی علاقه به سعادت (همان: ۱۱۳). وی در مطالعات خود به ارتباط بین طبقه و میل به پیشرفت اشاره می کند. بدین معنی که افراد در خانواده‌های طبقه متوسط دارای انگیزه میل به پیشرفت بالاتری نسبت به خانواده‌های طبقه پایین هستند. به هر حال مک کله لند بر این باور است که فارغ از ارتباط بین طبقه و انگیزه میل به پیشرفت برای به رسیدن به نوسازی به دو عنصر روانی نیاز داریم که یکی از آنها میل به اثبات برتری خود بر دیگران و دیگری نیاز به بالا بردن سطح رفاه عمومی می باشد. خوشبختانه امروزه دانش سلاحي موثر در اختیارمان گذاشته و می توانیم از طریق تربیت و آموزش مستقیم افراد علاقه به نوسازی و احساس مسئولیت اجتماعی را در آنان ایجاد و تقویت کنیم و این کاری است که در زمینه اجتماع هدفی که در بافت‌های فرسوده زندگی می کنند، می توانیم انجام دهیم.

اینکلس و اسمیت نیز از جامعه شناسانی هستند که به ابعاد روانی تغییر اجتماعی و نوسازی توجه دارند. اینکلس بر این باور است که خصوصیت برجسته انسان مدرن دو جنبه دارد: یکی داخلی و دیگری خارجی، یکی به محیط وی بر می گردد و دیگری به وجه نظرها، ارزشها و احساسات او (Vinz, ۱۳۵۴: ۱۱۹). اینکلس بحث خود را با این پرسش آغاز می کند که انسانی که تمایل به نوسازی دارد کیست؟ و چه چیزی او را آنچنان می سازد که

^۱. Need for achievement

هست؟ جواب این سؤال خواه ناخواه مجادله انگیز است. با آنکه مفهوم استاندارد شده ای که مورد قبول عموم باشد برای تعریف انسان نو وجود ندارد، با این حال، پژوهندگان جریان نوسازی بر سر پاره ای از خصوصیات که انسان نو را از انسان سنتی جدا می سازد، توافق کامل دارند. در تعریف انسان نو اولین عنصر، آمادگی او برای تجربیات تازه و توانایی او برای تغییر است. بنابراین سخن بر سر یک حالت ذهنی، یک وضعیت روانی، یک آمادگی درونی است. دومین معیار در این مجموعه بهم پیوسته ما را به زمینه عقاید می کشاند. انسانی را نو می شناسیم که نه تنها درباره موضوعات و مسائل موجود در محیط بلافصل خود، بلکه درباره مسائل و موضوعات خارج از این محیط نیز عقایدی داشته باشد. به باور اسمیت انسان مدرن آگاهی بیشتری از تنوع و ایستارها و عقاید در اطراف خود دارد. و خود را اسیر این اعتقاد نمی سازد که همه افکار و معتقدات مشابهی دارند، و این افکار و معتقدات مشابه افکار و عقاید اوست. وی بر این باور است که ذهن انسان مدرن بیشتر متوجه زمان حال و آینده است تا گذشته و در انجام امور و کار و تصمیم گیرها دقیق و منظم می باشد. البته به جاست که اشاره شود که اسمیت اشاره می کند که این ویژگی‌ها، ویژگی‌های شخص است و این خصوصیات ممکن است انعکاسی از خصوصیات فرهنگی باشند (Inikens, ۱۹۸۰: ۳۲۰). انسان مدرن متمایل به برنامه ریزی و سازمان دادن امور است و به آن به عنوان نوعی راه و رسم و اداره زندگانی اعتقاد دارد. یکی از معیارهای اساسی در تعریف انسان مدرن بحث کارآمدی^۱ است. چنین انسانی معتقد است به جای اینکه تحت سلطه محیط و قضا و قدر باشد، می تواند بر محیط و قضا و قدر مسلط شود. برای مثال می توان از کسی که معتقد به کار آمدی است سؤال شود که بالاخره روزی شما می توانید بافت‌های فرسوده تان را نوسازی کنید؟ کسی که کارآمدتر است حتی اگر در حال حاضر توانایی انجام این کار را نداشته باشد، پاسخ مثبت خواهد داد. چنین فردی به قابل محاسبه بودن جهان خود اعتقاد دارد. و بر این باور است که به مردم و موسساتی که در اطراف او قرار دارند می توان اعتماد داشت که از عهده تعهدات و مسئولیتهای خود برآیند. او هرگز این مطلب را نمی پذیرد که همه چیز بسته به تقدیر و یا هوی و هوس‌های طبایع و خصایص آدمیان است. در خصوص تحقق و ظهور این ویژگی‌ها و معیارها و در نهایت ساختن انسان مدرن به مکانیسم‌ها و عواملی چون آموزش و پرورش، محیط شهری، وسایل ارتباط جمعی، دولت ملی اشاره می کنند. اینکلس اشاره می کند که تاثیر سکونت در شهر به تنهایی در مدرن کردن فرد نقش ندارد و شهرنشینی فی نفسه افراد را مدرن نمی کند (Azkiya, ۱۳۸۱: ۱۱۲). در نهایت آنها نتیجه گرفتند که نوسازی فردی را می توان در تحت سه عنوان عمده خلاصه کرد: اینکه آنها شهروندان آگاه و فعالی باشند؛ احساس کارایی شخصی در آنها محسوس باشد؛ در روابط خود با مراجع سنتی قدرت کاملاً مستقل و بدون دخالت دادن اراده دیگران عمل کنند.

همچنین در زمینه حل مسائل و مشکلات بافت فرسوده راه حل‌های مختلفی در نظر گرفته شده که از جمله می توان به در نظر گرفتن تسهیلات برای نوسازی و ساماندهی، اتخاذ سیاست‌های برای نوسازی و رونق این بافت‌ها، و همچنین مشخص کردن سازمان‌ها و نهادها برای این مسئله اشاره کرد. در بسیاری از این تحقیقات به عواملی از

^۱.efficiency

جمله ناهنجاری‌های اجتماعی، مشکلات فرهنگی و وقوع زلزله در این بافت‌ها اشاره کرده‌اند. و در نهایت به این راه حل رسیده‌اند که مشارکت اجتماعات هدف حلقه مفقوده نوسازی بافت فرسوده می‌باشد. با وجود همه این قضایا سئوالی که هنوز پاسخ داده نشده این می‌باشد که چرا افراد ساکن در بافت فرسوده تمایلی به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده ندارند؟ در این راستا بود که نظریات روانشناسی اجتماعی نوسازی مورد توجه قرار گرفت. این نظریات با تیپ بندی و مشخص کردن ویژگی‌ها و خصوصیات افراد، آنها را در ارتباط با نوسازی و مشارکت مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به مرور ادبیاتی که در این زمینه انجام شد می‌توانیم متغیرهای اساسی را مورد توجه قرار دهیم که در ذهنیت و نحوه عمل افراد در نوسازی بافت فرسوده باید مورد توجه قرار گیرد. این متغیرها با واکاوی دنیای ذهنی کنشگران نوع ایستارها و جهان بینی افراد را در زمینه تمایل افراد نسبت به نوسازی نشان می‌دهند. و این شاید حلقه مفقوده مطالعات در زمینه ساماندهی بافت فرسوده باشد. این متغیرها عبارتند از :

- میزان و درجه آینده‌گرایی در مقایسه با حال‌گرایی و به خصوص گذشته‌گرایی (اسمیت)
- میزان تقدیرگرایی و عدم تقدیرگرایی (راجرز و هیگن)
- پذیرش خطر یا ریسک‌پذیری (اسمیت و هیگن)
- سنت‌گرایی یا تمایل به ارزشهای گذشته (هیگن، اسمیت)

اولین متغیر در این زمینه مفهوم قضا و قدر یا تقدیرگرایی^۱ است. راجرز تقدیرگرایی را به درجه ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی اش در مورد کنترل آینده تعریف کرده است (Rajers, ۱۹۹۲: ۲۷۳). افراد تقدیرگرا سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت‌های خود می‌دانند. تقدیرگرایی به دنبال خود وجهه نظرهای را نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری و نرمش و گریز را با خود می‌آورد و نهایتاً به یکی از موانعی تبدیل می‌شود که باعث پذیرش نوسازی در بین ساکنین می‌شود. وقتی در بین ساکنین تمایلی به نوسازی دیده نمی‌شود تقدیرگرایی است که فرد را نسبت به سرنوشت خود تسلیم می‌کند. وقتی در بین ساکنین بافت فرسوده شاهدیم که با وجود همه تسهیلات و امکاناتی که برای نوسازی بافت در اختیار آنها قرار داده شده و با وجود آگاهی از خطراتی که آنها را تهدید می‌کند جز انفعال هیچ واکنشی را از خود نشان نمی‌دهند، علت را باید در همین ایستار تقدیر گرایی جستجو کرد. زیرا تقدیرگرایی است که قدرت پذیرش ریسک را از ساکنین می‌گیرد و آنها را افراد محافظه‌کاری بار می‌آورد که حاضر به مشارکت در نوسازی نیستند. لازمه پذیرش ریسک در امر نوسازی تدبیر است نه تقدیر یعنی اینکه افراد حداکثر کوشش خود را در بهره برداری از تسهیلات و امتیازهای که به آنها در امر نوسازی داده شده به کار گیرند. افراد ساکن در بافت فرسوده دارای قدرت پذیرش ریسک نیستند زیرا در گذشته به سر می‌برند. چنین به نظر می‌رسد این افراد حاضر نیستند که از نیازهای فوری خود به خاطر کسب نفع بیشتر در آینده، بگذرند.

در بسیاری از تصمیمات زندگی، افراد ممکن است میان پاداش‌های کوتاه مدت از یک سو و اهداف درازمدت و نتایج رضایت آمیز از آن از سوی دیگر، یکی را انتخاب کنند. افراد ساکن در بافت فرسوده حاضر به چشم پوشی از

^۱. fatalism

منافع آنی خود نیستند. که این مسئله را می‌توان ذیل مفهوم آینده‌گرایی از آن نام ببریم. انگیزه میل به پیشرفت یک ارزش اجتماعی است و بر تمایل فرد در نائل شدن به تفوق و کمال در زندگی تاکید دارد. با تاکید می‌توان گفت که میل به پیشرفت نتیجه میزان همدلی، تقدیر گرایی، آینده‌گرایی، سنت و ارزش‌های فرهنگی است. وقتی در بین ساکنین بافت فرسوده روحیه تقدیرگرایی رایج باشد، و نگاهی نوستالژیک به گذشته داشته باشند، و همیشه گرفتار سرنوشت از پیش تعیین شده خود باشند، خود به خود میزان رضایت از زندگی در بین آنها کاهش یافته و انگیزه یا میل به پیشرفت یا نوسازی را از دست می‌دهند. و همین مسئله به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در تمایل به نوسازی نقش بازی می‌کند

در این تحقیق همه متغیرهای فوق را به عنوان ارزش‌های فرهنگی ساکنین بافت فرسوده در نظر گرفته‌ایم. در واقع اگر به دنبال پیدا کردن عدم تمایل ساکنین به نوسازی هستیم لازم است که شناختی از ایستارها و جهان بینی ساکنین به دست آوریم که گام اول در هر اقدامی در این راستا می‌باشد. بدون واکاوی این ایستارها هر نوع برنامه‌ریزی با شکست مواجه خواهد شد. در مدل ذیل متغیرهای دخیل در نوسازی در سطح خرد مورد توجه قرار گرفته‌اند. فرض در این تحقیق این می‌باشد که در ابتدا و قبل از شروع به برنامه‌ریزی برای این بافت‌ها باید ایستارها و نگرش افراد مورد بررسی قرار گیرد. تا مشخص شود که تا چه حد در بین اجتماعات هدف آمادگی برای نوسازی و تغییرات جدید در آنها وجود دارد. شاید آنها به این نوع سبک زندگی در بافت‌های فرسوده عادت کرده‌اند و این نوع زندگی مانع روبرو شدن آنها با تغییرات است. ارزش‌های فرهنگی که جهت دهنده زندگی فرد است به گونه ای است که در مقابل تغییرات مقاومت از خود نشان می‌دهد و توانایی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های جدید را از آنها می‌گیرد. و این شاید یکی از دلایل اساسی بی نتیجه ماندن برنامه‌های نوسازی می‌باشد. فردی که تقدیر گراست فکرش با تغییر هماهنگ نیست و تغییرات را به شیوه ای دیگر تفسیر می‌کند. فردی که در دام سنت‌گرایی گرفتار شده است استقلال و توانایی فکر کردن را در موقعیت‌های جدید ندارد. این افراد وقتی در دام سنت‌گرایی و تقدیرگرایی افتاده‌اند، سرنوشت خود را محتوم شده پنداشته‌اند در نتیجه میلی به پیشرفت و انگیزه ای برای پیشرفت در آن کمتر دیده می‌شود. و همچنین میل به همدلی در بین ساکنین در ارتباط با سیاستگذاران دیده نمی‌شود. مجموعه این ارزش‌ها که از آن به عنوان ارزش‌های فرهنگی نام برده ام به قول ماکس وبر همانند سوزن‌بان‌های قطار، مشخص کرده‌اند که کنش برخاسته از نیروی محرک علایق و منافع مادی و معنوی افراد چه مسیری را طی می‌کند.

نظریه‌های گرایش

گرایش که در برخی از ترجمه‌ها و تالیف‌ها از آن به عنوان نگرش، ایستار نیز یاد شده، یکی از مفاهیم اساسی در علوم رفتاری است که به ویژه در روانشناسی اجتماعی کاربردهای فراوانی یافته است. در فرهنگ کمبریج تعریف گرایش بدین گونه آمده است: داشتن آمادگی یا تمایل به صورت مثبت یا منفی، برای پاسخ دادن به یک ایده مشخص، اشیاء، شخص. گرایش بر انتخاب یا کنش افراد تاثیر می‌گذارد، و به چالش‌ها، انگیزه‌ها و پاداش‌ها پاسخ می‌دهد. گرایش عبارت است از یک سازمان نسبتاً بادوام از اعتقادات، احساسات و تمایلات رفتاری به سوی اشیاء،

گروه‌ها، وقایع و نمادهای که از لحاظ اجتماعی دارای اهمیت‌اند (Hag & Vegan, ۲۰۰۵: ۱۵۰). یا به باور اگلی و چیکن گرایش یک تمایل روانشناختی است که از طریق ارزیابی یک موجودیت خاص با درجه‌ای از مطلوبیت و عدم مطلوبیت بیان می‌شود. ساختار گرایش بر اساس سه عنصر توصیف می‌شود:

۱- عنصر عاطفی^۱: مستلزم احساسات و عواطف شخص درباره گرایش به اشیاء می‌باشد.

۲- عنصر رفتاری^۲: گرایشی که ما داریم بر چگونگی اعمال و رفتار ما تاثیر می‌گذارد.

۳- عنصر شناختی^۳: مستلزم عقاید و دانش اشخاص درباره گرایش به اشیاء است.

این مدل به عنوان مدل ABC گرایش‌ها شناخته می‌شود. یکی از فرضیات اساسی درباره ارتباط بین گرایش‌ها و رفتار، سازگاری و همسازي وجود دارد. بدین معنا که ما اغلب انتظار داریم که رفتار یک شخص با گرایش‌های که به آن باور دارد، سازگار باشد این مسئله به عنوان اصل سازگاری شناخته می‌شود. اصل سازگاری این ایده را منعکس می‌کند که انسان‌ها موجودات عقلانی هستند و تلاش می‌کنند که در همه زمان‌ها عقلانی رفتار کنند و بر این اساس رفتار افراد باید با گرایش‌های سازگار باشد. در حالی که این اصل ممکن است منطقی به نظر برسد، واضح است که مردم همیشه آن را دنبال نمی‌کنند، بعضی اوقات مردم به شیوه‌ای کاملاً غیر منطقی رفتار می‌کنند. شواهدی وجود دارد که عناصر عاطفی و شناختی رفتار همیشه با رفتار مطابقت ندارند. مطالعه گرایش‌های افراد مسئله‌ای محوری برای مطالعه افراد در موقعیت‌های اجتماعی است. اساساً، بعضی از روانشناسان بر این باورند که این مفهوم پایه روانشناسی اجتماعی است. آلپورت (۱۹۵۴)، معتقد است که مفهوم گرایش ضروری‌ترین و مشخص‌ترین مفهوم در روانشناسی اجتماعی است. به باور وی گرایش یک حالت سازمان یافته از آمادگی ذهنی و عصبی از طریق تجربیات است که تاثیری مستقیم و پویا بر واکنش‌های فرد در برابر کلیه موضوعات یا موقعیت‌های که به آن مربوط می‌شود، دارد (Gelen, ۱۹۷۵: ۲۵). وایت نیز گرایش را یک سیستم از عکس‌العمل‌های ارزیابی کننده می‌داند که مبتنی بر اعتقادات و چارچوب‌های هستند که بر اساس آنها این ارزیابی انجام می‌گیرد. این چارچوب و پایه‌های ارزیابی کننده در دوران‌های مختلف شکل‌گیری شخصیت در خانواده و در جامعه به وجود می‌آید (Rafihpour, ۱۹۹۳: ۶). بر این اساس می‌توان گفت گرایش عبارت است از ارزشیابی مثبت و منفی یا احکام ارزشی مطلوب یا نامطلوب درباره اشیاء، اشخاص و پدیده‌ها. به بیان دیگر، گرایش‌ها، چگونگی احساس هر کسی را نسبت به چیزی نشان می‌دهند (Rabines, ۱۹۹۳: ۱۷۷). توسعه شکل‌گیری گرایش‌ها ممکن است پیامد یک دامنه از انگیزه‌های مختلفی باشد که فرد دارد. این گرایش‌ها به خاطر کارکردی که انجام می‌دهند، توسعه، حفظ و تغییر می‌یابند. کاتز (۱۹۶۰) معتقد است که هر گرایشی حداقل یکی از چهار کارکرد ذیل را انجام می‌دهد:

۱- کارکرد تطبیقی^۴: گرایش به ما کمک می‌کند که از چیزهای نامطلوب دوری کنیم و چیزهای مطلوب را به دست آوریم.

^۱. Affective component

^۲. behavioral component

^۳. cognitive component

^۴. adaptive

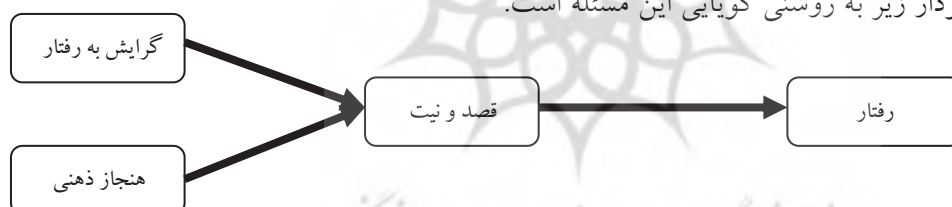
۲- معرفتی^۱: گرایش به ما کمک می‌کند که به شکلی دیگر مقدار زیادی از اطلاعات جهان را فهم کنیم. گرایش‌ها راه‌های میان‌بری هستند که برای ساده کردن ادراک ما از جهان به ما کمک می‌کنند و به موجب آن جهان قابل پیش‌بینی‌تر، امن‌تر و مدیریتی‌تر می‌شود.

۳- ابراز وجود^۲: گرایش‌ها به ما کمک می‌کنند به خودمان و دیگران ربط پیدا کنیم، و یک تصویر نسبتاً واحد با دیگرانی که می‌توانیم تعامل داشته باشیم را عرضه می‌کنند. و کمک می‌کند هویت مان را هم برای خود و هم برای دیگران ایجاد کنیم.

۴- دفاع از خود^۳: گرایش‌ها به ما در مقابل دیگران و خودمان، برای توضیح چرایی انجام دادن کارها و چیزهای که می‌توانند به عنوان نامطلوب دیده شوند، کمک می‌کنند.

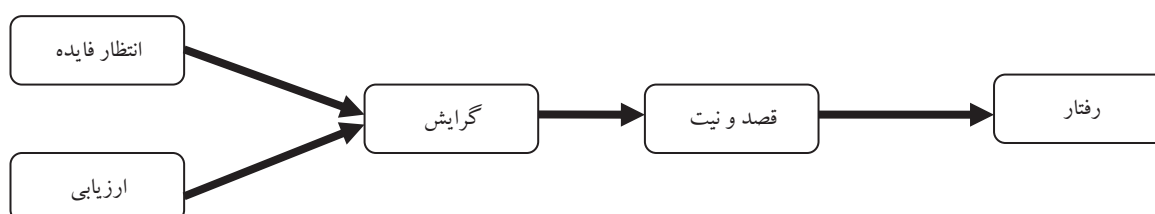
در ارتباط با نظریه‌های که در زمینه گرایش وجود دارد تئوری فیش باین و آیزن از اهمیت خاصی در تبیین رفتار برخوردار است. بر اساس این تئوری، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت به انجام یک رفتار است (Rafihpour, 1993: ۹). به وجود آمدن قصد و نیت به نوبه خود تابع دو متغیر دیگر است:

- گرایش به سوی آن رفتار که یک متغیر فردی و شخصی است و طی آن، فرد انجام یک رفتار را ارزیابی می‌کند.
- هنجار ذهنی که منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام رفتاری احساس و ادراک می‌کند (همان). نمودار زیر به روشنی گویایی این مسئله است.



Source: Rafihpour, 1993

همچنان که در نمودار بالا مشاهده می‌کنیم گرایش رفتاری توأم با قصد و نیت است که منجر به رفتار می‌شود. فیش باین و آیزن بر این باورند که یا فرد از انجام کاری انتظار فایده و نفع دارد یا اینکه فرد فایده پدیده مورد نظر را برای خود ارزیابی کند. نمودار ذیل به خوبی گویایی این مسئله است.

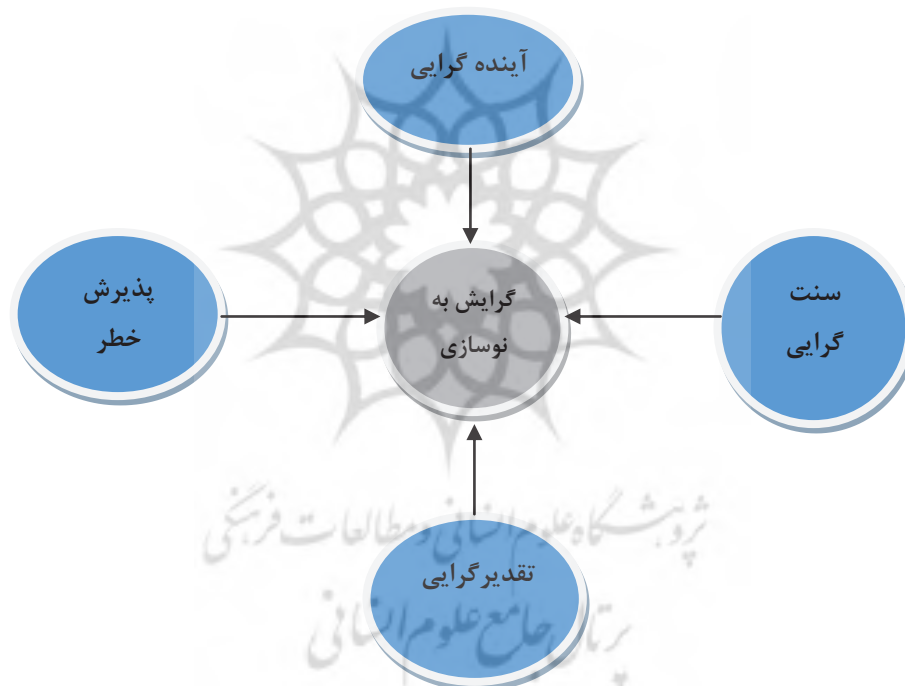


Source: Rafihpour, 1993

¹. knowledge
². self-expressive
³. Ego-defensive

تزیسه و کرومکا معتقدند که گرایش دارای سه عنصر ادراکی، ارزشیابانه و عملی یا رفتاری می‌باشد. منظور از عناصر ادراکی داشتن اطلاعات درباره موضوع مورد نظر می‌باشد. عنصر ارزشیابانه عنصری است که از طریق آن افراد فایده را ارزیابی می‌کنند. و عنصر عملی نیز نشان می‌دهد که تا چه حد افراد حاضرند که برای حل مسائل و مشکلات شان به ادوات و سازمان‌های مرتبط مراجعه کنند. که نشان‌دهنده آگاهی عملی افراد می‌باشد. در این تحقیق با توجه به مرور ادبیات نظریه‌های گرایش و عناصری که برای سنجش گرایش در این نظریه‌ها در نظر گرفته‌اند و همچنین موضوع تحقیق یعنی نوسازی بافت فرسوده، برای سنجش متغیر وابسته تحقیق از نظریه فیش باین و آیزر استفاده شده است یعنی گرایش را در دو بعد انتظار فایده و ارزیابی فایده مورد بررسی قرار داده‌ایم. این دو عنصر به گونه‌ای است که عناصر قبلی را نیز تا حد زیادی پوشش می‌دهد.

مدل نظری تحقیق



Source: Research findings, 2018

- با توجه به نظریه‌های که به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفت می‌توانیم فرضیات ذیل را استخراج کنیم:
- بین میزان آینده‌گرایی افراد با میزان گرایش به نوسازی رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چه میزان آینده‌گرایی افراد بیشتر باشد میزان گرایش به نوسازی بیشتر است.
 - بین میزان سنت‌گرایی در بین افراد با میزان گرایش به نوسازی رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سنت‌گرایی در بین افراد بیشتر باشد میزان گرایش به نوسازی کمتر است.
 - بین میزان پذیرش خطر در بین افراد با میزان گرایش به نوسازی رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چه میزان پذیرش خطر در بین افراد بیشتر باشد میزان گرایش به نوسازی بیشتر است.

- بین میزان تقدیرگرایی افراد با میزان گرایش به نوسازی رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چه میزان تقدیرگرایی افراد بیشتر باشد میزان گرایش به نوسازی کمتر است

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل

تقدیرگرایی: تقدیرگرایی یکی از متغیرهای بوده که در این تحقیق برای سنجش ارزش‌های فرهنگی ساکنین بافت فرسوده مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از تقدیرگرایی نظام باورها و ارزش‌های است که فرد دارد که افراد را به سوی مسیرهای خاصی هدایت می‌کند. فرد تقدیرگرا تابع قضا و قدر بوده و جهان را با همین عینک نگاه می‌کند. تحرک و پویایی در افراد تقدیرگرا مشاهده نمی‌شود و اگر هم باشد در راستای همان سرنوشت از پیش تعیین شده فرد است. هر نوع اتفاقی چه خوب و چه بد با عنوان تقدیر توجیه می‌شود. در این تحقیق برای سنجش میزان تقدیرگرایی از گویه‌های زیر استفاده شده است:

- بنوش و سرمست باش که معلوم نیست فردایی در کار باشد.
- تجربه نشان داده که با تلاش و کوشش می‌توان شرایط بهتری در زندگی به وجود آورد
- دیگر به هیچ چیز و هیچ کس نمی‌توان تکیه کرد (حتی به خود) فقط خدا باید مشکلات ما را حل کند
- اساساً هر چه پیش آید خوش آید

پذیرش خطر: همچنان که در مرور ادبیات به آن اشاره کردیم لازمه پذیرش خطر در امر نوسازی تدبیر است یعنی اینکه افراد حداکثر کوشش خود را در بهره برداری از تسهیلات و امتیازهای که به آنها در امر نوسازی داده شده به کار گیرند. چنین به نظر می‌رسد ساکنین در بافت فرسوده عموماً دارای قدرت پذیرش ریسک بالا نیستند زیرا زیر نفوذ شدید فرهنگ سنتی قرار دارند و سازگاری با وضعیت موجود در بافت ویژگی شخصیتی آنهاست. چنین به نظر می‌رسد این افراد حاضر نیستند که از نیازهای فوری خود به خاطر کسب نفع بیشتر در آینده، بگذرند. در این تحقیق برای سنجش پذیرش خطر از گویه‌های زیر استفاده کرده ایم:

- خیلی مواقع دلیل از دست رفتن فرصت‌ها، ترس از نزدیک شدن به آنها می‌باشد.
- انسان بعضی مواقع لازم است شهامت به خرج دهد و تجربه‌های تازه کسب کند.
- هر نوع خطر کردنی (از جمله در زمینه نوسازی بافت فرسوده با وجود مشکلات اقتصادی) احمقانه و دردسر ساز است.

- ترسیدن از احتمال ضرر باعث می‌شود فرد قدمی به جلو بردارد.

آینده‌گرایی: همچنان که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت در بسیاری از تصمیمات زندگی، افراد ممکن است میان پاداش‌های کوتاه مدت از یک سو و اهداف درازمدت و نتایج رضایت‌آمیز از آن از سوی دیگر، یکی را انتخاب کنند. افراد ساکن در بافت فرسوده حاضر به چشم پوشی از منافع آنی خود نیستند. که این مسئله را می‌توان ذیل مفهوم آینده‌گرایی از آن نام ببریم. برای سنجش آینده‌گرایی از گویه‌های زیر استفاده شده است:

- اگر مردم بیشتر در فکر آینده بودند با بسیاری از مشکلات امروز مواجه نمی‌شدند

- گرفتاری بسیاری از مردم آن است که برای رویارویی با آینده آماده نیستند

- نگرانی‌های جاری آن قدر زیاد هست که نمی‌توان در فکر آینده بود

- ترجیح می‌دهم به جای برنامه‌ریزی برای آینده دم را غنیمت بدانم

سنت‌گرایی: از متغیرهای مهم دیگر در زمینه ایستارها و نگرش‌های مردم که در زمینه نوسازی دخیلند سنت‌گرایی می‌باشد. بعضی ارزش‌ها وجود دارد که مانع نوسازی‌اند و بیشتر در گذشته سیر می‌کنند در اینجا ذوب شدن در گذشته باعث می‌شود که فرد در مقابل هر تغییری از جمله نوسازی بافت علی‌رغم مخاطراتی که زندگی فرد را تهدید می‌کند مقاومت از خود نشان داده و توجیه‌های به ظاهر منطقی برای کنش‌های خود بیاورد. البته منظور ما از سنت‌گرایی این نیست که از در مقابله با سنت‌ها در اکتفا بلکه بیشتر منظور این است که چه نوع نگرشی در افراد ساکن فرد وجود دارد که مانع نوسازی بافت می‌شود و ما در این زمینه برای سنجش این متغیر گویه‌های زیر را در نظر گرفته‌ایم:

- چیزی که در مدتی طولانی به وجود آمده معمولاً از عقلانیت زیادی برخوردار است.
 - بهتر است به جای درگیر شدن با چیزهای نو و جدیدی که نمی‌شناسیم با همان چیزهای موجود بسازیم.
 - باید به کار نیاکان خود احترام بگذاریم (از جمله معماری قدیمی) و نباید تصور کنیم شناختن بهتر از آنهاست.
 - باید با امور سنتی خودمان کنار بیایم. هر چه قدیمی تر با ارزش تر است.
- تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

گرایش به نوسازی بافت مسکونی: تزیسه و کرومکا معتقدند که گرایش دارای سه عنصر ادراکی، ارزشیابانه و عملی یا رفتاری می‌باشد. منظور از عناصر ادراکی داشتن اطلاعات درباره موضوع مورد نظر می‌باشد. عنصر ارزشیابانه عنصری است که از طریق آن افراد فایده را ارزیابی می‌کنند. و عنصر عملی نیز نشان می‌دهد که تا چه حد افراد حاضرند که برای حل مسائل و مشکلات شان به ادارات و سازمان‌های مرتبط مراجعه کنند. که نشان دهنده آگاهی عملی افراد می‌باشد. در این تحقیق با توجه به مرور ادبیات نظریه‌های گرایش و عناصری که برای سنجش گرایش در این نظریه‌ها در نظر گرفته‌اند و همچنین موضوع تحقیق یعنی نوسازی بافت فرسوده، برای سنجش متغیر وابسته تحقیق از نظریه فیش باین و آیزر استفاده شده است یعنی گرایش را در دو بعد انتظار فایده و ارزیابی فایده مورد بررسی قرار داده‌ایم. این دو عنصر به گونه‌ای است که عناصر قبلی را نیز تا حد زیادی پوشش می‌دهد. در این تحقیق برای سنجش ارزیابی فایده از گویه‌های زیر استفاده کرده‌ایم:

- نوساز کردن یا نکردن خانه فرقی به حال ما نمی‌کند.
 - اگر قرار باشد در تهران زلزله بیاید، نوساز باشد یا قدیمی فرقی نمی‌کند.
 - نوسازی خانه در دسردارد، ما دنبال در دسر نیستیم.
 - نوساز کردن خانه تغییری در زندگی ما ایجاد نمی‌کند.
- برای سنجش انتظار فایده به عنوان یکی از ابعاد گرایش به نوسازی از گویه‌های زیر استفاده شده است:

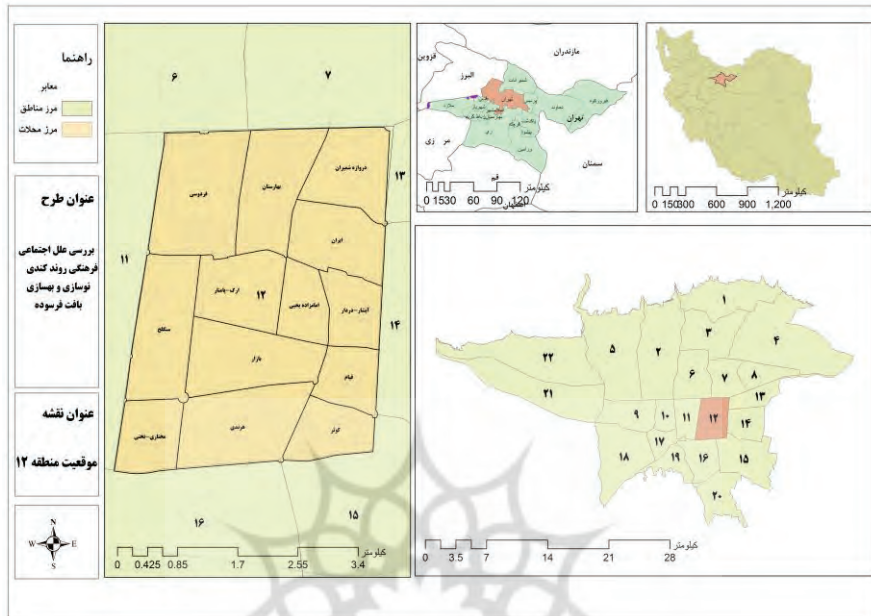
- به جای نوسازی خانه می‌توان پول را در جای دیگر سرمایه گذاری کرد.
- شاید نوسازی خانه در این محله از نظر اقتصادی سودی داشته باشد ولی به زحمت آن نمی‌ارزد.
- نوسازی در این محله فقط هدر دادن پول است.
- درد مردم این محله، فرسودگی و از این جور چیزها نیست که با نوسازی حل شود.

معرفی منطقه مورد مطالعه

منطقه ۱۲ یکی از مناطق قدیمی شهر تهران محسوب می‌شود که در مرکز تهران قرار گرفته است. این منطقه با مساحتی معادل ۱۶,۹۱ کیلومتر مربع شامل ۶ ناحیه و ۱۳ محله است. از مهمترین ویژگی‌های این منطقه قرار گرفتن بازار تهران و بسیاری از مراکز و نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها و سفارت‌خانه‌ها در این منطقه است. این منطقه از شمال به خیابان انقلاب دارای نقاط عطف میدان فردوسی، پیچ شمیران، لاله زار، پل چوبی است و از غرب به خیابان حافظ و خیابان وحدت اسلامی با نقاط عطف میدان تاریخی حسن آباد (هشت گنبدان)، میدان وحدت اسلامی (شاهپور)، چهار راه وحدت اسلامی (چهارراه شاهپور) است و از جنوب به خیابان شوش با نقاط عطف خیابان جهان پهلوان تختی، یخچال و میدان غار و از شرق خیابان ۱۷ شهریور با نقاط عطف خیابان شهید کفایی امانی و خیابان خورشید خیابان مجاهدین زیر گذر امیرکبیر و اتوبان شهید محلاتی با قدمتی به تاریخچه تهران و بناهایی زیبا که بافت تجاری آن غلبه‌ی سیری ناپذیری را در این منطقه پیدا کرده ولی هنوز صفا و صمیمیت محلات آن تداعی تهران قدیم را در اذهان متبادر می‌کند. آب و هوای منطقه ۱۲ تهران به نسبت سایر مناطق خنک تر و سالم تر است. این موضوع به دلیل باغات و پارک‌های زیادی است که در این منطقه وجود دارد. در این منطقه ۵۶,۳۹ کیلومتر معیار عمومی و شریانی، ۶۹,۱۹ کیلومتر معیار جمه آوری محلی، ۴ ایستگاه تاکسی و اتوبوس و دارای ظرفیت پارکینگ ۷۷۰۰ خودرو است (Detailed plan of region 12, 2006). ۲۷ درصد از سطح منطقه (داخل باروی اول) بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳ درصد از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. بیش از ۳۴ درصد محدوده منطقه از گستره‌ها و پهنه‌های شاخص و ارزشمند تشکیل شده است. علیرغم این ارزش‌ها، بیش از یک سوم سطح منطقه فرسوده محسوب می‌شود به عبارت دیگر، مرکز تاریخی تهران در معرض زوال و مخروبه‌گی روزافزون است. این منطقه تاریخی طی ۲۰ سال اخیر روند جمعیت‌گریزی مداوم، خروج ساکنان قدیمی و خانوارهای متعارف و ورود مهاجران تهیدست در جستجوی کار را شاهد بوده است تا حدی که جمعیت منطقه روند کاهشی داشته است گریز جمعیت اصیل و کثرت مهاجران و خانوارهای تک نفره حاکی از ناپایداری و عدم تعلق جمعیت ساکن به منطقه است. در حال حاضر در منطقه ۱۲ بالغ بر ۷۹۱۰۵ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۲۴۰۹۰۹ نفر در سال ۱۳۹۶، ساکن هستند. منطقه ۱۲ دارای ۶ ناحیه و ۱۳ محله است و میزان رشد جمعیت ۲/۵ درصد در سال است. در این منطقه ۲۰۶ باب مسجد، ۳۴۵ مدرسه، ۳۸ مورد پارک، ۳۹ مرکز ورزشی، ۹ مرکز فرهنگی و ۳۹ مرکز درمانی قرار دارد. همچنین در منطقه ۱۲، ۸۹/۲ درصد از جمعیت باسواد هستند. در منطقه، ۱۶ مرکز آموزش عالی و آموزشگاه قرار دارد که از

مشهورترین آنها می‌توان از مدرسه دارالفنون نام برد، ۲۶ باب حوزه علمیه و مرکز آموزش دینی، از جمله مدرسه مروی در این منطقه هستند. (Detailed plan of region 12, 2006).

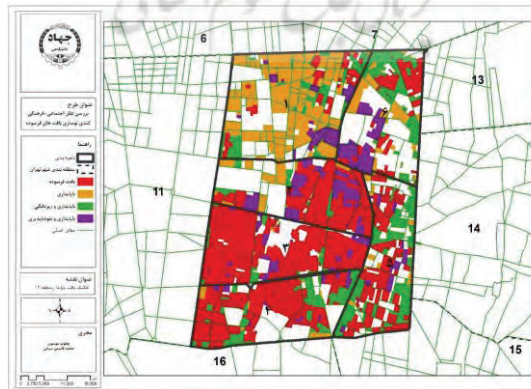
نقشه شماره ۲، موقعیت منطقه ۱۲



Source: Documentary Reviews of summer, 2018

این پژوهش در تابستان و پاییز سال ۱۳۹۶ در منطقه مورد هدف یعنی منطقه ۱۲ شهر تهران به انجام رسیده است. جامعه آماری پژوهش ساکنان منطقه ۱۲ شهرداری تهران است. منطقه ۱۲ که هسته اصلی و یکی از قدیمی‌ترین مناطق شهر تهران است، معضل بافت فرسوده بصورت جدی و تهدید آمیزی تداوم پایدار شهری را در معرض خطر قرار داده است و طی سالیان گذشته افزایش حجم و وسعت بافت مورد هدف نوسازی موجبات نگرانی متولیان شهری را فراهم ساخته است.

نقشه شماره ۳، میزان بافت فرسوده منطقه ۱۲



Source: Documentary Reviews of summer, 2018

یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی میزان تقدیرگرایی در جمعیت نمونه‌ی تحقیق

جدول زیر میزان‌های تقدیرگرایی را در بین ساکنین نمونه‌ای بافت فرسوده در منطقه ۱۲ نشان می‌دهد. داده‌های جدول حاکی از این است که بیشترین میزان تقدیرگرایی ساکنین ۸۹٫۷ درصد در مقوله تا حدودی قرار دارد. که اگر با مقدارهای تقدیرگرایی زیاد جمع شود در حدود ۹۹ درصد ساکنین بافت فرسوده دارای ایستارها و نگرش‌های تقدیرگرایانه‌اند. که این امر به باور نگارنده یکی از موانع مهم تاخیر در مشارکت مردم در قبال نوسازی بافت فرسوده است. نکته جالب توجه در این زمینه میزان کم تقدیرگرایی ۸٪ است. نگرش تقدیرگرایانه ساکنین تا حدی به عنوان مانع اصلی تحرک اجتماعی دیده می‌شود. فرد به جای واکاوی دقیق مسائل و علل یابی و چاره اندیشی، شیوه زندگی هر چه پیش آید خوش آید را انتخاب می‌کند. در جدول زیر مشاهده می‌کنیم که این ایستار تا حد زیادی در بین ساکنین بافت فرسوده غالب است.

جدول ۵. توزیع میزان تقدیرگرایی نمونه تحقیق

تقدیرگرایی	فراوانی	فراوانی نسبی
کم	4	8/
تا حدودی	443	89/7
زیاد	47	9/5
جمع	494	100

Source: Research findings, 2018

توزیع فراوانی میزان پذیرش خطر (ریسک‌پذیری) جمعیت نمونه‌ی تحقیق

جدول زیر میزان پذیرش خطر یا ریسک‌پذیری را در بین ساکنین بافت فرسوده نشان می‌دهد. جدول زیر نشان می‌دهد که در حدود ۷۴٫۷ درصد پاسخگویان میزان پذیرش خطر را بر اساس گویه‌های بالا تا حدودی اعلام کرده‌اند. که نشان می‌دهد در نگرش‌های پاسخگویان میل به پذیرش خطر وجود دارد. و همچنین در حدود ۲۵٫۱ درصد پاسخگویان میزان‌های پذیرش خطر را کم اعلام کرده‌اند. نکته جالب توجه در این خصوص این است که هیچ کدام از پاسخگویان جامعه آماری اعلام نکرده‌اند که دارای میزان‌های پذیرش زیاد هستند. پذیرش خطر به معنی به استقبال خطر رفتن و ریسک کردن در جهت تغییر شرایط یا ایجاد شرایط بهتر در زندگی است. نوسازی کردن بافت تا حد زیادی مستلزم خطر کردن است.

جدول ۶. توزیع میزان پذیرش خطر نمونه تحقیق

پذیرش خطر	فراوانی	فراوانی نسبی
کم	124	25/1
تا حدودی	369	74/7
زیاد	-	-
جمع	493	99/8

Source: Research findings, 2018

توزیع فراوانی میزان آینده‌گرایی جمعیت نمونه‌ی تحقیق

جدول زیر میزان ایستار و نگرش آینده‌گرایی را در بین پاسخگویان نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان یعنی ۷۵٫۹ درصد تا حدودی آینده‌گرایی داشته‌اند. و در حدود ۲۳٫۹ درصد آنها میزان‌های آینده‌گرایی آنها زیاد بوده است این در حالی است که میزان‌های آینده‌گرایی کم در میان پاسخگویان ۰ بوده است. که نشان می‌دهد پاسخگویان نسبت به آینده دغدغه و نگرانی داشته‌اند و در فکر آینده بوده‌اند بنابراین آینده‌نگری پاسخگویان نقش موثری را می‌تواند در گرایش آنها به نوسازی ایفا نماید.

جدول ۷، توزیع میزان آینده‌گرایی نمونه تحقیق

آینده‌گرایی	فراوانی	فراوانی نسبی
کم	0	0
تا حدودی	375	75/9
زیاد	118	23/9
جمع	493	99/8

Source: Research Findings, 2018

توزیع فراوانی میزان سنت‌گرایی جمعیت نمونه‌ی تحقیق

داده‌های جدول نشان می‌دهد که فراوانی ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی در بین ساکنین بافت فرسوده خیلی زیاد است. در حدود ۸۰٫۶ درصد ساکنین بافت فرسوده تا حدودی دارای ارزش‌های سنتی است. و در حدود ۱۸٫۶ درصد دارای ارزش‌های سنتی زیاد می‌باشد این در حالی است که هیچ کدام از ساکنین دارای ارزش‌های سنتی کم نمی‌باشند.

جدول ۸، توزیع میزان سنت‌گرایی نمونه تحقیق

سنت‌گرایی	فراوانی	فراوانی نسبی
کم	0	0
تا حدودی	398	80/6
زیاد	92	18.6
جمع	490	99.2

Source: Research Findings, 2018

جدول زیر نشان دهنده میزان‌های ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل ایستار تقدیرگرایی و متغیر وابسته گرایش به نوسازی و ابعاد این متغیر (ارزیابی فایده و انتظار فایده) را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون شاخص عددی شدت و جهت میان دو متغیر است. یکی از فرضیات اصلی در این تحقیق ارتباط بین ایستار و نگرش تقدیرگرایی و گرایش به نوسازی است. همچنان که در جدول بالا مشاهده می‌کنیم میزان‌های سطح معنی داری (۰٫۰۰) دال بر ارتباط معنا دار بین این دو متغیر است. شدت این رابط ۰٫۱۸- می‌باشد. جهت رابطه نیز منفی می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: هر چه ایستار و نگرش تقدیرگرایی بیشتر باشد، میزان گرایش به نوسازی هم در بین شهروندان کمتر خواهد بود. رابطه معنی داری بین ابعاد متغیر وابسته و تقدیرگرایی هم دال بر ارتباط معنی دار است. جهت رابطه میزان‌های انتظار فایده و ارزیابی فایده نشان می‌دهد که در صورت داشتن دید قضا و قدری

نسبت به دنیا از لحاظ هستی‌شناسی نمی‌توان انتظار فایده یا ارزیابی فایده‌ای از نوسازی بافت‌های فرسوده داشت. این نگرش بیانگر هر چه پیش‌آید خوش‌آید و تسلیم در برابر شرایط و پذیرش وضعیت فعلی است.

جدول ۹، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین تقدیرگرایی و گرایش به نوسازی

آزمون آماری	تقدیرگرایی ارزیابی فایده	تقدیرگرایی انتظار فایده	تقدیرگرایی / گرایش به نوسازی
ضریب همبستگی پیرسون	-.195	-.153	-.۱۸۱
سطح معناداری	.۰۰۰	.۰۰۱	.۰۰۰
تعداد معتبر	۴۹۴	۴۹۴	۴۹۴

Source: Research Findings, 2018

آزمون همبستگی پیرسون بین پذیرش خطر و گرایش به نوسازی

نتایج حاصل از آزمون پیرسون بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۱ درصد رابطه معناداری میان دو متغیر پذیرش خطر با ایستار گرایش به نوسازی بافت فرسوده وجود دارد. در این باره ضریب همبستگی برابر با ۰.۴۱ است که رابطه‌ای مثبت و نسبتاً متوسط است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: هر چه میزان‌های پذیرش خطر در بین ساکنین بافت فرسوده بیشتر باشد، میزان گرایش به بافت فرسوده بیشتر است؛ و برعکس با کاهش میزان‌های پذیرش خطر میزان گرایش به نوسازی بافت کمتر خواهد بود. بین متغیر پذیرش خطر و ابعاد متغیر وابسته هم رابطه‌ای معنادار دارد. که شدت این رابطه هم متوسط می‌باشد. جهت رابطه مثبت است. ایستار پذیرش خطر بدین معنی است که پاسخگویان ترس و واهمه‌ای از تغییرات جدید نداشته باشند، از فرصت‌ها به خوبی استفاده کنند و هزینه‌های تغییرات را بپذیرند، شهامت و شجاعت کسب تجربه‌های جدید را داشته باشند. این بینش است که منجر به تغییر می‌شود. لازمه نوسازی در بافت فرسوده استقبال کردن از خطر با وجود دردها و گرفتاری‌ها می‌باشد. توجه به این ایستار در برنامه‌ریزی جهت نوسازی بافت فرسوده باید در بین برنامه‌ریزان مورد توجه جدی قرار گیرد. نگاه صرف کالبدی و فضایی به شهر بدون در نظر گرفتن ساکنین همچنان که تجارب داخلی و خارجی نشان می‌دهد، چیزی جز شکست نیست.

جدول ۱۰، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین پذیرش خطر و گرایش به نوسازی

آزمون آماری	پذیرش خطر ارزیابی فایده	پذیرش خطر/انتظار فایده	پذیرش خطر / گرایش به نوسازی
ضریب همبستگی پیرسون	.۳۴۴	.۴۱۰	.۴۱۴
سطح معناداری	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
تعداد معتبر	۴۹۳	۴۹۳	۴۹۳

Source: Research Findings, 2018

آزمون همبستگی پیرسون بین آینده‌گرایی و گرایش به نوسازی

میزان‌های ضریب همبستگی نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین آینده‌گرایی و گرایش به نوسازی وجود ندارد. ایستار آینده‌گرایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است به معنی برنامه‌ریزی برای آینده، رویارویی با گرفتارها و مشکلات آینده می‌باشد. در این زمینه نکته قابل توجه فکر کردن درباره آینده و داشتن درکی از مشکلات و مسائلی است که در آینده پیش می‌آید. که این امر جزء با برنامه‌ریزی فراهم نمی‌شود. واقعیت این است که مسئله‌ای که در بین ساکنین بافت فرسوده ارجحیت دارد دم‌غنیمتی و چسبیدن به مسائل روزمره و جالب و انهم تنها با این ذهنیت که این هم بگذرد، می‌باشند. علیرغم این مسائل فرضیه‌ای که در اینجا مورد بررسی قرار گرفت نشان داد

که بین این ایستار و گرایش به نوسازی و ابعاد آن رابطه ای وجود ندارد. و این ایستار نمی تواند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرد و باید علت را در جای دیگر جستجو کرد.

جدول ۱۱، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین آینده گرایی و گرایش به نوسازی

آزمون آماری	آینده گرایی/ارزیابی فایده	آینده گرایی/انتظار فایده	آینده گرایی/گرایش به نوسازی
ضریب همبستگی پیرسون	.۱۱۵	.۰۳۲	.۰۶۲
سطح معناداری	.۰۱۱	.۴۸۵	.۱۴۲
تعداد معتبر	۴۹۴	۴۹۴	۴۹۴

Source: Research Findings, 2018

آزمون همبستگی پیرسون بین سنت گرایی و گرایش به نوسازی

یکی از فرضیات اساسی این تحقیق میزان های هم تغییری بین سنت گرایی و گرایش به نوسازی در بافت فرسوده می باشد. بدین معنی که هر چه میزان های سنت گرایی در بین ساکنین بافت بیشتر باشد گرایش به نوسازی کمتر است و برعکس. داده های به دست آمده نشان می دهد که بین میزان سنت گرایی و گرایش به نوسازی رابطه معناداری وجود دارد (۰.۰۰۰). و شدت این رابطه ۲۷- می باشد. شدت رابطه هم متوسط می باشد. جهت رابطه هم منفی می باشد بدین معنی که با افزایش متغیری دیگر کاهش می یابد. در این زمینه به این معنی است که هر چه ایستار سنت گرایی در بین ساکنین افزایش یابد گرایش به نوسازی در بین آنها کمتر می شود. همچنین بین سنت گرایی و ابعاد متغیر وابسته هم رابطه معنی داری وجود دارد که از شدت متوسطی برخوردار می باشد و جهت این رابطه هم منفی است. در نظر گرفتن ایستار سنت گرایی در بین ساکنین بدین معنی است که نگرش های در بین ساکنین وجود دارد که در برابر هر نوع تغییری مقاومت می کند، تغییری که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است نوسازی بافت فرسوده است.

جدول ۱۲، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سنت گرایی و گرایش به نوسازی

آزمون آماری	سنت گرایی/ارزیابی فایده	سنت گرایی/انتظار فایده	سنت گرایی/گرایش به نوسازی
ضریب همبستگی پیرسون	-.۲۸۱	-.۲۷۳	-.۲۷۸
سطح معناداری	.۰۰۱	.۰۰۰	.۰۰۰
تعداد معتبر	۴۹۲	۴۹۲	۴۹۲

Source: Research Findings, 2018

نتیجه گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

مساله اصلی پژوهش پاسخگویی به این سوال است که از منظر اجتماعی - فرهنگی کدام دسته از عوامل بر نوسازی و بهسازی بافت فرسوده تاثیرگذار بوده است و بی توجهی به آنها روند نوسازی را با تاخیر مواجه کرده است. در بررسی پیشینه بیان گردید که علی رغم اعطای تسهیلات مالی و تامین مالی، نوسازی هنوز از اهداف و برنامه های خود عقبتر است و نتوانسته است به اهداف برنامه ای خود دست پیدا کند. سؤال کلیدی در این پژوهش این بود که چرا با وجود مشوق های که سازمان ها و نهادهای درگیر در زمینه نوسازی به ساکنین ارائه می کنند و همچنین مخاطراتی که زندگی کردن در این بافت ها به دنبال دارد ساکنین تمایلی به نوسازی این بافت ها ندارند؟ و ترجیح

می‌دهند با همین شرایط به زندگی خود ادامه دهند و تغییری در زندگی آنها به وجود نیاید؟ یا در مقابل هر نوع تغییری که سبک زندگی آنها را بهم بریزد مقاومت می‌کنند؟

در زمینه نوسازی و بهسازی بافت فرسوده عوامل زیادی دخیل هستند، که مهمترین آنها را شاید بتوان عامل اقتصادی نام برد، اینکه ساکنان بافت فرسوده بعنوان یکی از ذینفعان چنانچه احساس کنند که از نوسازی بافت فرسوده سودی به دست می‌آورند اقدام به نوسازی می‌نمایند. بررسی این موضوع نشان می‌دهد که حتی در بسیاری از موارد تامین مالی و اعطای تسهیلات و یا حتی با اثبات سود و منفعت شخصی بسیاری از مالکان اقدام به نوسازی نمی‌کنند بنابراین موضوع نوسازی دارای جنبه‌های متعددی است که شاید بالاتر از جنبه‌های اقتصادی نوسازی باشد، شناخت عوامل کندی روند نوسازی در ورای عوامل اقتصادی موضوع اصلی این پژوهش قرار گرفت. پژوهش با مبنا قرار دادن بررسی علل فرهنگی و اجتماعی و بررسی ایستارهای ذهنی ساکنان بافت های فرسوده به دنبال بررسی نظام‌های فکری کنشگران است.

در راستای پاسخگویی به این سؤال نگرش‌ها و باورهای ساکنین مورد بررسی قرار گرفت فرض این بود که چیزی در نظام فکری ساکنین وجود دارد که مانع حرکت و ایجاد تغییر در زندگی آنهاست؟ نظام‌های فکری که افراد دارند به نحوی نظام کنشی آنها را شکل می‌دهند با بررسی آنها می‌توان جهت‌گیری کنشی آنها را شناسایی کرد؟ در این ارتباط بررسی نظام‌های فکری کنشگران انجام گرفت اینکه آنها با چه عینک و ابزاری به دنیا نگاه می‌کنند؟ می‌توان گفت که این ابزارها معیوب‌اند و در مقابل نوسازی مقاومت می‌کنند و میل به نوسازی ندارند؟ یا اینکه این سنت‌ها مانع نوسازی نیستند و اتفاقاً در این زمینه تسهیل‌گرند؟ در این زمینه ایستارهای ساکنین را از لحاظ تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، پذیرش خطر و آینده‌گرایی بررسی شد نتایج تحقیقات نشان داد که ایستارهای اجتماع هدف در بعدهای پذیرش خطر و سنت‌گرایی و آینده‌گرایی با گرایش به نوسازی ارتباط معناداری را نشان می‌دهد که لازم است این ایستارها در برنامه‌ریزی برای نوسازی بافت فرسوده مورد توجه قرار گیرد. فرد به این نوع سبک زندگی عادت کرده است، از تغییراتی که آرامش وی را به هم بزند استقبال نمی‌کند، کاری به کار کسی ندارد. اهمیت بررسی این متغیرها در زمینه نوسازی به اشکالات برنامه‌ریزی بر می‌گردد. در جامعه ما به ویژه در زمینه نوسازی بافت بیشتر برنامه‌ریزی‌ها از بالا به پایین بوده و برنامه‌ریزان بدون آشنایی با مشکلات واقعی اجتماعات هدف بر اساس تخیلات و باورهای خود اصول برنامه‌ریزی را طراحی و اجرا کرده‌اند که نتیجه آن عدم موفقیت و شکست برنامه‌ها بوده است.

از سوی دیگر واقعیت مسئله این است که این مفاهیم و ایستارهای ذهنی و گرایش شهروندان خیلی جدا از هم نبوده و مرزهای خیلی مشخص هم بین آنها وجود ندارد بلکه برعکس با هم تا حد زیادی هم پوشانی دارند. در این زمینه با بررسی متغیرها نتایج تحقیق تا حد زیادی دال بر ارتباط معنی‌دار این متغیرها با گرایش به نوسازی است. با توجه به یافته‌ها پژوهش، پیشنهادات زیر در راستای توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی و تقویت روحیه مشارکتی شهروندان ارائه می‌شود:

- تقویت روحیه و حس تعلق مکانی با ارائه خدمات زیربنایی و فرهنگی - اجتماعی با توجه به سابقه محله
- اصالت بخشی و هویت بخشی به محلات با توجه به پیشینه و سوابق فرهنگی و اجتماعی منطقه ۱۲
- ایجاد تشکل‌های مردمی و نهادهای محله محور و توانمندسازی اجتماعی - فرهنگی شهروندان
- تلاش در راستای ایجاد اعتماد بین نهادهای حاکمیتی و شهروندان
- توجه به وضعیت اجتماعی - فرهنگی ساکنان در اجرای سیاست‌های نوسازی و بهسازی منطقه ۱۲
- استفاده از پتانسیل ریش سفیدان و معتمدان محلی در جلب مشارکت مردمی
- تقویت نقش دفاتر تسهیلتگری محلات منطقه ۱۲ و بهره‌گیری از پتانسیل‌های مذهبی منطقه ۱۲ بخصوص مساجد
- ایجاد و تقویت سیاست‌های تشویقی مختص منطقه ۱۲ با عنایت به پیشینه تجاری و فرهنگی منطقه .

References

- Abozari, Panteaa and yosefali ziyari (2019). Explain the effects of urban improvement and renovation policies. Case Study: District 12 of Tehran Municipality. Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography. Year 11. N4
- Akbarpour seraskanroud, Mohammad (2008). Participatory Evaluation of Improvement and Renovation of Vanished Texture of Cyrus District in Tehran, maskan va enghelab, N 121, p. 14-29
- Amirahmadi, Rahmatolla. Mehdada navabakhsh and Habibolla zanjani. (2016). Investigating the role of cultural and social capital on citizen participation in the renewal of worn-out tissue. Case Study: city of Mashhad. Jameheshnasi moaser. Year 5. N 8.
- Azkiya. Mostafa. (2002). Sociology of Development and Underdevelopment of the Village of Iran. Tehtan. publication etelaat
- Azkiya. Mostafa. (2011). Sociology of Development. Tehran. publication kalammh
- Azkiya. Mostafa. Ghafri Gholamreza (2009). Contemporary social theories with development approach. Science publication
- Berkowitz(1986). A survey of Social Psychology .ed. by: Hilsdale pryden
- Detailed plan of the 12th district of Tehran, 2006
- Ghasemi, iraj. Ghasemi mohammad and hosean heydari (2015) Factors affecting citizen participation in renovating and improving worn-out urban fabric. Refah ejtemayi. Year 15. N 59. PP 255- 288
- Glen .Fredrik(1975) the social psychology of organization .great Britain: the chaser press
- Glen .Fredrik(1975) .The Social Psychology of Organizations .Great Britain: The chaser press

- Inkless ,Alex(1980) Making Men Modern: On the Causes and Consequences of Individual Change in Six Developing ,American Journal of Sociology ,Vol. 75 ,No. 2 (Sep. ,1969) ,pp. 208-225
- Khine.myint swe(2015) attitude measurement in science sducation ,classic and contemporary approaches ,information age publication
- Madanipour, Ali (2004). City and city planners: Impact of Tehran's natural environment degradation on its problems and problems. Urban Planning. Spring. N 8
- McClelland ,D. C. (1971) the Achieving Society. Princeton ,N. J.: Van Nostrand Co
- Mirzaghavam, Roya (2005). Investigating Social Causes of Continuity of Failure (Physical) in Urban Factors. Khazayie. Azahra university. Master's Thesis
- Moridsadat, Pegah, Sajad mohamadiyan (2019). Participate in the improvement and renovation of worn-out urban tissues. Case Study:khirabad of birjand. Quarterly amayesh mohit. N42.PP 139-166
- Salimi yekta, parvin. Seyed jamalodine daryabari and seyed khalili seyed alipour. (2018), Investigation of renovation and improvement of worn texture in Tehran's 12th district with a regeneration approach, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, year 11. N 2. Spring
- Poorahmad. Ahmad, ahmad farhadi and reza ghorbani (2016). Investigating the social issues of citizens in modernizing the worn-out fabric of Iran. Refah. Mehr. 16th Housing Development Conference
- Pouladi, Raha (2008). Measuring the willingness of the residents to participate economically to promote urban exhausted tissues. Shiraz tissues. Master's Thesis
- Robbins ,Stephan(1993) ,Organizational Behavior ,sixth edition ,prentice ,Hall . international edition
- Vinz, mayron (2014). Community renewal. Translation of Rahmatullah Moghaddam. Tehran. franklin

The Impact of Cultural and Social Factors on the Tendency to Renewed Textured Texture

Case study: region 12 tehran

Yaghoob mosavi

Associate Professor of Al-Zahra University- Iran. tehran

Mohammad Ghasemi Siani*

Faculty member of the Institute of Humanities and Social Studies ACECR. IRAN. Tehran

Anvar mostafavi

PhD student in Sociology, Allameh Tabatabai University- Iran- Tehran

Abstract

In urban planning, attention to socio-cultural dimensions is necessary simultaneously with physical and physical look. Renovation of worn out tissue takes into account physical interference in tissue, but less of a social or cultural intervention. Studies show that social and cultural dimensions must be corrected before any physical intervention. This research is to investigate the slowdown in the process of renovation and improvement of the worn out texture of Tehran city due to the impact of cultural and social factors of the inhabitants of worn out tissues on the modernization process. The main issue of the research was to answer the question of which of the socio-cultural aspects of the factors influencing the renovation and upgrading of the eroded tissue had been affected and delayed the neglect of the modernization process. The present study is a descriptive-analytical study and, using a quantitative method, investigates the socio-cultural causes of modernization of worn out tissue in the 12th district of Tehran. For this purpose, based on the statistical population of Region 12, 500 questionnaires were completed randomly from the regions and neighborhoods of the region. The results showed that in terms of residents' attitudes in terms of felicity, traditionalism, risk acceptance and future development, the objectives of the community in the risk acceptance pillars And traditionalism with a tendency to modernize shows a significant relationship and does not show the dimensions of communicative fanaticism and futurism with a tendency to modernize. In this regard, the variables of sense of belonging to the neighborhood, social capital, social trust, social cohesion, social norms are investigated. The results of the research to the extent A lot d L on the relation between these variables is oriented to modernization. In fact, the sense of belonging to the place, the communication of the community itself influenced by the normative system and trust, encourages and facilitates the modernization.

Keywords: socio-cultural, modernization, improvement, Tehran city,

* (Corresponding Author) ghasemi_siani@yahoo.com